

ناصر باقری بیدهندی



بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله العظمی

حاج آقا روح الله موسوی خمینی (ره)

.....  
۱- این عکس در سال ۱۳۷۷ قمری گرفته شده است .

## مدخل

امام خمینی خورشید تابناک اندیشه اسلامی در افق تیره ضلالتها و گمراهیهای جهان معاصر بود او چون چشمه جوشان ایمان و اعتقاد در کویر سوخته پوچی و تهی ناشی از سلطه کفر و الحاد بود. روزگاری که ضد انسان ترین انسانها خود را مدافع ارزشها به حساب می آورند او معنای واقعی انسانیت و عزت انسانی و اسلامی را نشان داد، دورانی که بشریت عزیزترین و پرارج ترین موقعیت خویش را در استقلال و دوری از خدا می دید او بیشترین شکوه را برای انسان وابسته به خدا به ارمغان آورد. امام خمینی شخصیتی که تاریکی از او گریزان بود، عشق به سویس بال می گشود، روشنائی بادیدنش شرمنده می شد و ماه از دیدن چهره اش خجلت زده، او طلایه دار روحانیت متعهد و پرچمدار عرفان و عشق به خدا و جوهره فقه سنتی و جواهری بود. او در دفاع از کیان مقدس اسلام بر بازوان ستبر و مقاوم سربازان اسلام بوسه می زند و آرزو می کند که ای کاش من هم یک پاسدار بودم او عزت و شرف و استقلال را برای مسلمانان به ارمغان آورد آنان را با هویت اسلامی خود آشنا کرده و گرد جهل و خود باختگی در مقابل بیگانگان را از جامعه مسلمانان زدود و به آنها آموخت که چگونه مردانه روی پای خود ایستاده و از فرهنگ و اصالت خود و از ارزشهای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه وآله و سلم - دفاع کنند. نامش پر آوازه و راهش پر روهر و باد.

## ولادت نور

در تاریخ ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ هـ. ق<sup>۱</sup> مصادف با میلاد انسیه حوراء فاطمه (س) در خمین در یک خانواده روحانی و مبارز چشم به جهان گشود.

.....

۱ - درجات الخلود ۱۸ جمادی الثانی ذکر شده که اشتباه است.

پدرش مرحوم آیت الله شهید سید مصطفی موسوی متولد ۱۲۷۸ق<sup>۱</sup> و دارای نفوذ کلمه و خدمه و تفنگچی بوده و چهار ماه و بیست و دو روز پس از ولادت حضرت امام، در ۱۲ ماه ذی قعدة ۱۳۲۰ق در راه خمین به اراک از طرف اشرار - جعفر قلی خان<sup>۲</sup> و رضا قلی سلطان خمینی - مورد سوء قصد قرار گرفته و در سن ۴۷ سالگی به شهادت می رسد.

پس از شهادت پدر، مادرش بانو هاجر احمدی<sup>۳</sup> و عمه اش بانو صاحبه خانم معروف به خواهر آقا سر پرستی ایشان را به عهده گرفته و دایه ای به نام ننه خاور برای نگهداریش برگزیدند هنوز بیش از پانزده سال از عمر شریفش سپری نشده بود که عمه خود را از دست

.....

۱ - مؤلف «علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی» درص ۳۱۸ می نویسد:

«مجاهد مبارز آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی یکی از مشاهیر علمای مکتب ما در اوایل قرن چهاردهم هجری است. تحصیلات مقدمات فقهی او در ایران بود و در اوان عمر سالها در عتبات عالیات از محاضر علمائی مانند مرحوم شیخ انصاری برخوردار بود تا به درجه اجتهاد رسید و سپس جهت ترویج و انجام خدمات مذهب به زادگاه خویش مراجعت نمود.

شهید خمینی، مجتهدی فقیه و دانشمندی متین و شجاع و با ابهت بود از تواضع و تقوی و فضائل اخلاقی، گذشت و ایثار برخوردار بود با داشتن این فضائل از بیدادگری و مظالم ستمگران و خانهای غارتگر، که از دسترنج مردم، زالوصفت بهره می بردند، خیلی ناراحت بود خانهای ستمگری که در گذشته به جان و مال و ناموس مردم مستضعف و کشاورزان زحمتکش طمع نامشروع داشتند و آن بیچارگان بدون اجازه مالک و اربابان زورگو حتی جرأت نوشیدن آب نداشتند.

شهید خمینی در آگاهی مردم و نصیحت به مالکان سالها رسالت خویش را ایفا می نمود و گاه ناگزیر می شد مردانه قد علم نموده علیه مظالم آنها قاطعانه برخورد کند. اربابان ستمگر علیه او توطئه ها چیدند، سرانجام موفقی که آقا قصد مسافرت از خمین به اراک را داشت در بین راه بوسیله رضا قلی خان و بهرام خان ناگهان به ضرب گلوله نقش بر زمین شد و...»

و نیز درباره انگیزه شهادت شهید آیت الله سید مصطفی موسوی رک: پاسدار اسلام ش ۸۴، آذر ۱۳۶۷

ص ۸۴ گفتار آیت الله پسندیده.

۲ - در کتاب شهدای روحانیت در یکصد ساله اخیر نام او را بهرام خان ذکر کرده که درست نیست. قاتل در میدان اعدام تهران اعدام شد. رجوع شود به زندگانی قائد اعظم ص ۱۲، شهدای روحانیت در یکصد ساله اخیر ج ۱، در ماهنامه پاسدار اسلام شماره ۸۴ آذرماه ۱۳۶۷ بوسیله آیت الله پسندیده در این رابطه توضیح بیشتری داده شده رجوع شود.

۳ - امام از ناحیه مادری خوانساری می باشند یکی از اجداد مادری ایشان حیدر بن محمد خوانساری صاحب زبده التصانیف است، صاحب ذریعه در مورد وی می گوید که وی از اساتید آقا حسین خوانساری (۱۱۹۸م) می باشد.

داد (۱۳۳۶ق) و در همان سال پس از مدت کوتاهی مادرش نیز بدرود حیات گفت. و جدش آقا سید احمد معروف به «هندی» از علماء نجف بوده که برحسب خواهش اهالی فراهان و کمره که مرکز خمین است بدین شهرستان مهاجرت کرد وی فرزند سید دینعلی شاه از سادات کشمیر و طبق اظهار بعضی از مطلعین از شخصیت های علمی و دینی آن سا مان بوده که در آنجا به شهادت رسیده است.

### دوران تحصیل معظم له

خواندن و نوشتن را نزد معلمی بنام میرزا محمود در منزل پدرش شروع کرده و در مدت کوتاهی با آن بخوبی آشنا شد پس از آن در مکتب ملا ابوالقاسم و شیخ جعفر به فرا گرفتن ادبیات فارسی ادامه داد و سپس در مدرسه جدیدالتأسیس احمدیه نزد آقا حمزه محلاتی (استاد خط) خط را نیکو فرا گرفت و هنوز پانزده ساله نشده بود که تحصیلات فارسی معمول آن روز را به پایان رسانید.

علاقه به پدر و راه او وی را به فراگیری علوم اسلامی فرا خواند، صرف و نحو را نزد شیخ جعفر پسر عموی مادرش و پس از آن پیش میرزا محمود افتخار العلماء و سپس حاج میرزا محمد مهدی (دائی خود) و بعد از آن نزد مرحوم حاج میرزا رضا نجفی (شوهر خواهر خود) و منطق و سیوطی و مطول را از محضر برادر بزرگش آیت الله سید مرتضی موسوی معروف به پسندیده فرا گرفت او تا سال ۱۳۳۸ق به استفاده از درس برادر خود اکتفا کرده و پس از آن به منظور ادامه تحصیل، تصمیم به مهاجرت به اصفهان گرفت، اما آوازه و شهرت حوزه جدید التأسیس اراک تحت زعامت مؤسس عالیقدر حوزه علمیه قم، مرحوم آیت الله حائری یزدی او را تحت تأثیر قرار داد بدین جهت در سال ۱۳۳۹ق به اراک آمده و نزد مرحوم شیخ محمد گلپایگانی منطق و خدمت مرحوم آقا شیخ عباس اراکی شرح لعمه را خواند و در سال ۱۳۴۰ که حوزه اراک با هجرت مرحوم حائری به دارالعلم قم انتقال داده شد وی نیز پس از چهارماه اقامت در اراک راه قم را در پیش گرفت و در مدرسه دارالشفاء ساکن شده و با تلاش فوق العاده ای به ادامه تحصیلات خود پرداخت، معظم له در قم مطول را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی و سطوح را پیش آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری به اتمام رسانید و آنگاه در حلقه شاگردان مرحوم حائری و مرحوم آقا میر سید علی یشربی کاشانی (۱۳۷۹ق) و آیت الله شیخ محمد رضا نجفی (در مدتی که ایشان در قم بودند) مؤلف «اداء المفروض فی شرح ارجوزة العروص» و... و آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر که بیشتر برای بهره وری از

انفاس قدسی ایشان شرکت می‌کردند درآمده و علم اخلاق را نیز در محضر مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی صاحب «المراقبات»<sup>۱</sup>... تلمذ نمود و در مدت کوتاهی<sup>۱</sup> به درجه عالیه اجتهاد نائل آمده و یکی از مجتهدین میرز و نوابغ علمی و مدرّسان بزرگ حوزه بحساب آمد.

و به موازات فرا گرفتن فقه و اصول از محضر مرحوم آیت الله رفیعی قزوینی حکمت و فلسفه (کتاب شرح منظومه مرحوم حاج ملا هادی سبزواری) و از محضر مرحوم حاج شیخ علی اکبر یزدی معروف به حکیم (متوفای ۱۳۵۴ق) و مرحوم آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی (متوفای ۱۳۶۳ق) متون مختلف عرفان علمی و عملی و فلسفه را فرا گرفت.

و پس از وفات مرحوم حائری که آیت الله بروجردی به قم تشریف آوردند امام بمنظور تقویت ایشان در درس او حاضر می‌شدند - و بنا به نقل آیت الله پسندیده از خود حضرت امام - از درس آقای بروجردی استفاده‌های شایانی بردند.

## تدریس امام

امام در سال ۱۳۴۷ق در حالی که تنها ۲۷ سال داشت تدریس فلسفه را آغاز نمود و ضمن اینکه در انتخاب شاگرد<sup>۲</sup> و کتابی که به عنوان متن درسی باید تدریس شود، دقت فراوانی بخرج می‌داد از امتحان کتبی و شفاهی شاگردان خود<sup>۳</sup> و تهذیب نفس و رشد قوای اخلاقی آنان هرگز غفلت نمی‌فرمود و در همین رابطه بود که در کنار درس فلسفه به تدریس اخلاق همت گماشته و آرام آرام علاقمندان به درس اخلاق ایشان روبه فزونی نهاد نه تنها تعداد حاضرین و استفاده کنندگان هر روز زیادتر می‌شد بلکه تعداد جلسات این درس نیز از

.....

۱ - امام از سال ۴۵ تا ۵۵ محضر مرحوم حائری تلمذ فرموده است مقدمه تفسیر دعای سحر، ص ۷.

۲ - از حجة الاسلام والمسلمین حاج سید حسین موسوی کرمانی شنیدم که حضرت امام بافراستی که داشت به خوبی می‌فهمید که کدامیک از حاضرین در جلسه درس، درس را می‌فهمند و کدام فهمشان از رسیدن به نکات دقیق بحث قاصر است. و این داستان را نقل کردند که روزی بعد از پایان درس منظومه یکی از حضار به من مراجعه کرد و گفت از استاد بخواهید که در تطبیق کمی دقیق تری پیش برود بنده هم خواسته او را به استاد منتقل کردم. تا گفتم طلبه‌ای چنین درخواستی از شما دارد و فرمود فلانی نبود؟ گفتم چرا، فرمود: من اینگونه درس می‌گویم تا امثال او در این بحث شرکت نکنند!

۳ - خود امام فرموده بودند از شاگردان درس فلسفه می‌خواستم درس را بنویسند و بیاورند، اگر می‌دیدم

نمی‌فهمند اجازه ورود به درس را نمی‌دادم.

هفته ای یک روز به دوروز (پنجشنبه و جمعه) در هفته افزایش یافت.

پلیس حکومت پهلوی این درس را برخلاف مصالح رژیم تشخیص داده و درصد تعطیل آن برآمد ولی خود را با مقاومت حضرت امام مواجه دید زیرا امام به مجرد اطلاع از تصمیم آنها چنین فرمود: من موظف هستم به هر نحوی که هست این جلسه را برگزار نمایم پلیس شخصاً بیاید و از انعقاد آن جلوگیری بعمل آورد.<sup>۱</sup>

مزدوران رژیم رضاخانی که احساس می‌کردند با واکنش عصیان‌بار ملت و مقاومت سرسختانه امام مواجه می‌گردند، از تعطیل آن چشم‌پوشی کردند ولی کارشکنیهای آنان ادامه داشت و موجب شد محل درس از فیضیه به مدرسه حاج ملاصادق منتقل شود البته پس از سقوط رضاخان و تبعیدش به جزیره موریس مجدداً درس در فیضیه برگزار می‌شد. معظم له شاگردانی پرورش داد که هرگز ترس از زندان و تبعید و شهادت را بخود راه ندادند.

آیت الله شهید مرتضی مطهری که خود در این درسها شرکت می‌کرد تأثیر آن را چنین بیان می‌کند:

«... اگرچه در آغاز مهاجرت به قم هنوز از مقدمات فارغ نشده بودم و شایستگی ورود در معقولات را نداشتم، اما درس اخلاقی که وسیله، شخصیت محبوبم در هر پنج شبه و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود نه اخلاق به مفهوم خشک علمی مرا سرمست می‌کرد بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم، بخش مهمی از شخصیت فکری و روحی من در آن درس، و سپس در دروسهای دیگری - که در طی دوازده سال از آن استاد الهی فرا گرفتم - انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم راستی که او «روح قدس الهی» بود.<sup>۲</sup>

### تدریس خارج فقه و اصول

امام خمینی تدریس خارج فقه و اصول را در سال ۱۳۶۴ق در ۴۴ سالگی همزمان با ورود حضرت آیت الله بروجردی به قم شروع کردند که بزودی حوزه درسی ایشان

۱ - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی/ ۳۹. تاریخ سیاسی معاصر ایران ج ۱/ ۳۶۷.

۲ - علل گرایش به مادیگری / ۱۰.

یکی از مهمترین و پرجمعیت ترین حوزه های درسی آن روز را تشکیل داد و شیوه تدریس ابتکاری معظم له در مباحث گوناگون فقه و اصول محور بحث و بررسی در محافل علمی طلاب و فضلا قرار گرفت.

### شیوه تدریس

درس امام در سطح بالائی قرار داشت لذا برای هرکس قابل استفاده نبود و شرکت کنندگان حوزه درسی ایشان را معمولاً افرادی تشکیل می دادند که چندین سال سابقه شرکت در درسهای خارج داشتند. ورود و خروج معظم له در مطالب بگونه ای بود که برای حاضرین در درس کوچکترین اشکالی باقی نمی ماند او برخلاف بعضی دیگر از اساتید که فلسفه را داخل اصول و فقه می کردند با آنکه خود یکی از اساتید برجسته و منحصر بفرد فلسفه بشمار می رفت، هرگز در مقام تدریس فقه و اصول توجهی به فلسفه نداشت و از چهارچوب معمول فقه و اصول پا فراتر نمی نهاد و با چنان آزادی نظریه بررسی مسائل فقه و اصول می پرداخت که هرگز بوی تقلید و تکرار نظرات مبانی گذشتگان از تحقیقات وی به مشام نمی رسید اگرچه به مبانی علمی و نظرات فقهای شیعه احترام فوق العاده ای قائل بودند، شاگردان ایشان تحت تأثیر این روش تحقیقی او قرار گرفته و شجاعت تحقیق مستقل و ژرف اندیشی و باریک بینی و موشکافی و نقض و ابرام از نظریات بزرگان را در خود پیدا کرده و همواره درصدد دست یافتن به اصول و مبانی علمی جدید گام برمی داشتند.

استاد آیت الله جعفر سبحانی می فرمود: امام شاگرد حاج شیخ عبدالکریم حائری بود مرحوم حاج شیخ سبک درسش براساس تفکر و دقت و مناقشه بود و به روایات و آیات کمتر توجه می کرد و این سبک، سبک اصحاب سامراء بود.

و از طرفی هم شاگرد مرحوم بروجردی بود که بر روی کلمات و تتبع اقوال و اسانید و متون و دیدن اقوال عامه و تاریخچه مسئله عنایت می کرد بدین جهت محسنات این دو درس را در تدریس خود بکار گرفته و ترکیبی از این دو درست کرده بودند. دقت فکر و اندیشه را از مرحوم حاج شیخ و مزایای دیگر را از مرحوم بروجردی آموخته بود.

.....

۱ - روزی در درس اصول از استاد محترم خود آقای جعفر سبحانی دام ظلّه الوارف شنیدم که وقتی تهذیب الاصول را برای تصحیح خدمت امام برده بودم در یکجا بعد از نقل قول یکی از اصولیین نوشته بودم «فاسد» و حضرت امام نوشتند: احترام مشایخ ملحوظ شود و جای آن نوشت «غیرتام».

## زعامت حوزه علمیه قم و مرجعیت تقلید

ایشان با عظمت چشمگیر و موقعیت ممتازی که داشتند هرگز به فکر ریاست نبوده و در راه شناساندن خود و بدست آوردن مسند و مقام کوچکترین اقدامی نکرده و حتی در مجالس و محافل که در رابطه با این جهات تشکیل می شد شرکت نمی فرمود و در مواقع بیرون رفتن از منزل از راه انداختن اصحاب و اطرافیان بشدت اجتناب می کردند، حتی پس از درگذشت مرحوم آیت الله بروجردی (رضوان الله علیه) از چاپ رساله عملیه خود امتناع می کردند تا اینکه جمعی از فضلا و مدرسین و عده زیادی از طلاب کراراً به حضور ایشان شرفیاب شده و به عرض می رسانند که چون اعلیّت ایشان برای آنها محرز شده لذا رساله عملیه ای تهیه و در اختیار آنان قرار دهند معظم له پس از دادن رساله از چاپ آن به نفقه دیگران خودداری می ورزند تا فضلاً قبول می کنند که آن را به نفقه خود چاپ و منتشر نمایند بدین ترتیب فتاوی ای ایشان بنام حاشیه بر وسیلة النجاة مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (متوفای ۱۳۳۷ق) چاپ و سپس حاشیه ایشان بر عروة الوثقی و سپس رساله عملیه ایشان چاپ و در اختیار مقلدینشان قرار می گیرد، یکی از نزدیکان امام در این زمینه چنین می گوید:

بعد از درگذشت مرحوم آیت الله حکیم، شب از بلندگوها اعلام کردند که آقای حکیم فوت کرده است. آن شب امام (در نجف) پشت بام بودند یکی از برادران گفت که متوجه شدم صدای گریه می آید و دیدیم که امام نشسته و گریه می کند روز بعد امام فرمودند که همه را جمع کنید و به آنها بگویید در هیچ مجلسی شما حق ندارید از من دفاع کنید و اسم مرا بیاورید گرچه سلیلی به گوش مصطفی بزنند و اگر به من بد بگویند، باز شما چیزی نگویند، امام به ما این طور فرمودند تا حدّی که حتی حاضر نبود برای مرجعیت خودش تبلیغ بشود و در همان ایام افرادی از موصل و کرکوک خدمت امام می آمدند و می گفتند: ما از چه کسی تقلید کنیم؟ ایشان می فرمود: از چه کسی تقلید می کردید؟ آنها می گفتند از آقای حکیم. امام می گفتند «به رأی آقای حکیم باقی باشید» این خیلی عظمت می خواهد که اشخاصی پیش یک مرجع بیایند و آن مرجع این گونه بگوید.<sup>۱</sup>

پس از فوت آیت الله حکیم جمعی از فضلاء برجسته حوزه علمیه قم ایشان را به عنوان اعلم و مرجع شایسته مسلمین تعیین و معرفی می کنند و خبر آن توسط آیت الله محمد مؤمن

.....

۱- فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی / ۷۲.



قمی در نجف به اطلاع ایشان می‌رسد و ایشان قیافه اعتراض آمیزی به خود گرفته و می‌فرمایند: بیخود اینکار را کردند نمی‌بایست بکنند.<sup>۱</sup>

## رهبری انقلاب

این اسوه تقوی و جهاد با قاطعیت پیامبرگونه خود توانست طومار ننگین حکومت دو هزار و پانصدساله رژیم شاهنشاهی رادرهم پیچد و بزرگترین انقلاب اسلامی را در ایران براه انداخته و آن را به شایسته‌ترین وجه — که موجب اعجاب سیاستمداران جهان شد — رهبری فرماید و در واقع حساسترین و مهمترین فصل حیات امام خمینی که بدون اغراق آن را باید با وسعت اثر انبیاء الهی در تاریخ بشر مقایسه کرد — هرچند آنچه امام داشت از آنان بود — بوجود آوردن انقلاب عظیم اسلامی ایران است.

از آنجا که در رابطه با انقلاب شکوهمند اسلامی به تفصیل سخنها گفته‌اند و کتابهای فراوانی توسط دانشمندان و سیاستمداران (اعم از خودی و بیگانه) نوشته شده است که بخشی از آنها در «کتابنامه انقلاب اسلامی» چاپ آستان قدس و در فهرستی که توسط اینجانب در سال ۱۳۵۹ ش تحت عنوان «واقعیتی از یک بازتاب و بازتابی از یک واقعیت»<sup>۲</sup> تهیه و چاپ شده نام برده شده است و در آینده هم هزارها بار مطلب بیش از این گفته و نوشته خواهد شد و از طرف دیگر بنای این مقاله بر اختصار است لذا در این زمینه به این مقدار اکتفاء می‌کنیم.

## در مسند تألیف

مرجع فقید شیعه نه تنها در تدریس و پرورش شاگردان مبرز و مبارزه با دشمنان دین و مملکت سخت کوش و پرتلاش بود بلکه در زمینه پژوهش و تألیف کتب علمی و تحقیقی نیز بسیار موفق و پیشاهنگ به حساب می‌آمد و مطالعه کتب سودمند ایشان بیانگر عظمت و ژرفائی و گستردگی پژوهشهای ایشان در زمینه‌های گوناگون می‌باشد اینک نام مؤلفات و تقریرات درس معظم له:

.....

۱ — سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۵/ ۱۷۸.

۲ — در این فهرست حدود ۱۷۰ عنوان کتاب و جزوه در ۷ بخش معرفی شده است که البته اگر در این تاریخ فهرست تنظیم شده بود قطعاً نزدیک به ۱۰۰۰ عنوان می‌گردید.

۱ - مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة در عرفان و مسائل عقلی است و حضرت امام (قده) این کتاب را در ۲۷ سالگی نوشته اند مترجم سید احمد فهری انتشارات پیام آزادی.

۲ - مختصر فی شرح الدعاء المتعلق بالسحر، در عرفان و مسائل عقلی است تألیف در تاریخ ۱۳۴۷ق به پایان رسیده. فارسی آن بنام شرح دعای سحر توسط سید احمد فهری چاپ شده.

۳ - اربعین حدیث، ۷ حدیث آن در مسائل عقلی و ۳۳ حدیث دیگر در اخلاقیات است و قبل از معراج السالکین تألیف شده است.

۴ - تحریر الوسیلة، فقه (۲ جلد) این اثر سودمند که در تبعید نوشته شده مورد توجه علماء و دانشمندان قرار گرفته و کارهایی از این قبیل بر روی آن انجام شده:

• ۱ - شرحی بنام تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة توسط آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی بر آن نوشته شده که حدود ۴۰ جلد می شود و تاکنون چند جلد آن چاپ شده است.

۲۵ - مستند التحریر توسط حجت الاسلام حاج شیخ احمد مطهری امام جمعه ساوه تهیه شده که توسط آقای هاشم نوری به فارسی نیز ترجمه گردیده.

۳۵ - ترجمه تحریر به فارسی. (دو ترجمه دارد).

۵ - المکاسب المحرمه در دو جلد، تاریخ اتمام تحریر این دو جلد جمادی الاولی ۱۳۸۰ق و تاریخ انتشار آنها محرم الحرام ۱۳۸۱ق است.

۶ - البیوع در پنج جلد درسهای فقهی امام در نجف اشرف است، تاریخ اتمام چرک نویس جلد پنجم آن جمادی الاولی ۱۳۹۶ق است، این کتاب بالغ بر ۲۳۰۰ صفحه بوده و جلد دوم از ص ۴۵۹ تا ۵۲۰ بحثهای امام درباره ولایت فقیه است که توسط جمعی تحت عنوان «شوون و اختیارات ولی فقیه» به فارسی ترجمه و توسط وزارت ارشاد اسلامی - اداره کل انتشارات و تبلیغات - به چاپ رسیده است.

۷ - کتاب الطهارة (۳ جلد) به چاپ رسیده.

۸ - الرسائل: دو جلد، این کتاب درباره قاعده لاضرر و استصحاب، تعادل، تراجیح، و اجتهاد و تقلید و تقیه بحث می کند.

۹ - اسرار الصلاة یا معراج السالکین تألیف در ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۵۸هـ ق به پایان

.....

۱ - ایشان قاعده لاضرر را یک قاعده حکومتی می دانستند.

رسیده است.

۱۰- رسالة في الطلب والارادة، در زمانی که اصول می‌گفتند نوشته اند این کتاب با ترجمه و شرح سید احمد فهری توسط مرکز انتشارات علمی و فرهنگی چاپ شده است.

۱۱- آداب الصلوة تلخیص کتاب اسرار الصلاة است با اضافاتی که در آن آمده است. ترجمه آن به نام پرواز در ملکوت چاپ شده .

۱۲- شرح حدیث رأس الجالوت پس از درس استاد خود مرحوم شاه آبادی (ره) نوشته اند.

۱۳- شرح حدیث جنود عقل و جهل، این حدیث شریف در اول اصول کافی ذکر شده که امام قسمتی از ۷۵ عنوان را شرح کرده اند ولی ناتمام است.

۱۴- کشف الاسرار در سال ۱۳۶۲ق در تهران به چاپ رسید (الذریعة ج ۱۸/۱۳) این کتاب ردی است بر کتاب اسرار هزارساله حکمی زاده فرزند حاج شیخ مهدی قمی پایین شهری، و در آن حملاتی به رضاشاه و سیاسات او دارند. (ببینید صفحات ۲۷۴ و ۲۵۴ و ۱۲، ۲۷۱ و ۳۰۲).

۱۵- نیل الاوطار فی بیان قاعدة لا ضرر ولا ضرار، تقریر درس خارج ایشان است.

۱۶- حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، مجموعه درسهای امام در نجف اشرف در زمینه حکومت اسلامی.

۱۷- مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، قسمتی از سخنرانیهای امام که به مناسبتهای مختلف در نجف ایراد شده و توسط آقای سید حمید روحانی جمع آوری شده و به چاپ رسیده است.

۱۸- تعلیقات علی فصوص الحکم قیصری و مصباح الانس، به کوشش و با مقدمه محمد حسن رحیمیان، ناشر: مؤسسه پاسدار اسلام ۳۲۷ صفحه، متن کتاب اول از محی الدین عربی و شارح آن داود بن محمود بن محمد رومی قیصری است و اصل مصباح الانس از ابوالمعالی صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی و شرح از محمد بن حمزة بن محمد است.

۱۹- حاشیه بر مفتاح الغیب، هنگامی که مفتاح الغیب را نزد استاد عارف خود مرحوم آیت الله شاه آبادی می خواندند بر آن حاشیه زده اند.<sup>۱</sup>

۲۰- تهذیب الاصول تقریر مباحث اصول ایشان است که توسط حضرت آیه الله

.....  
۱- سیمای فرزندگان ج ۳/۸۷.

- جناب آقای جعفر سبحانی به رشته تحریر درآمده و در ۳ مجلد به چاپ رسیده است.
- ۲۱- رساله فی الاجتهاد و التقليد، تقریر درس خارج ایشان است که به ضمیمه جزء سوم تهذیب الاصول چاپ گردیده است.
- ۲۲- تفسیر سوره حمد، مجموعه بحثهای تفسیر امام که از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد. و بعداً به چاپ رسید و تفسیر سوره علق .
- ۲۳- مناسک حج.
- ۲۴- مجموعه های فراوانی از سخنرانیها و پیامهای آن حضرت به چاپ رسیده که جامع تر از همه «صحیفه نور» است که توسط مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی تهیه شده و توسط انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی توزیع گردیده است و تا کنون ۱۹ جلد آن منتشر شده است.
- ۲۵- تقریرات آیت الله بروجردی (از اول اصول تا مباحث ظن) از سال ۶۴ تا آخر ۶۹ (طبق اظهار آیت الله سبحانی)
- ۲۶- رساله های عملیه که به زبانهای مختلف ترجمه و در اختیار مقلدین قرار گرفته است با ضمیمه دو جلد استفتائات جدید که یک جلد آن چاپ شده است.
- ۲۷- حاشیه بر اسفار که برگی از آن به خط معظم له موجود است. ۲
- ۲۸- دیوان شعر.
- ۲۹- تعلیقات و حواشی بر کتاب ارث مرحوم حاج ملا هاشم خراسانی.
- ۳۰- رساله ای مشتمل بر فواید در بعض مسائل مشکله
- ۳۱- الدماء الثلاثة تقریر حاج شیخ صادق خلخالی که به چاپ رسیده است. تا آنجا که ما اطلاع داریم تقریرات بحث ایشان را این چند نفر هم نوشته اند:
- ۳۲- تقریر بحث اصول ایشان توسط آقایان سید محمد حسن لنگرودی و سید محمد علی علوی گرگانی نوشته شده ولی چاپ نشده است.
- سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی، وی تقریرات فقه امام را نوشته است.
- شیخ حسین مؤمن شیرازی، تقریرات اصول امام را نوشته است.
- سید ابوالفضل موسوی تبریزی، تقریرات امام از اول مباحث الفاظ تا اقل و اکثر ارتباطی را نوشته است.



محمد یزدی مقرر بحث فقه امام و بحث فروع علم اجمالی را نوشته است.  
حاج شیخ جعفر مشهور به آقا بهاء الدین محمدی عراقی تقریرات بحث ایشان را در فقه  
و اصول نوشته است.

\*\*\*

امام کتابهایی نیز به خط خود استنساخ کرده اند از جمله:  
۱- اداء المفروض فی شرح ارجوزة العروض که تاریخ اتمام آن ۲۱ شعبان  
۱۳۴۶ ق است.

۲- رساله الزوراء که در فلسفه و عرفان است و در ۱۴ ربیع المولود ۱۳۴۹ ق به  
اتمام رسیده است.

۳- استنساخ رساله شرح قاضی سعید قمی بر حدیث رأس الجالوت.  
حضرت امام از نعمت خط زیبا و نستعلیق بهره مند بود و اهل فن، خط ایشان را جزء  
خطوط درجه یک بشمار آورده اند.

### بینش سیاسی امام

هنگامی که سیاست در تمامی آکادمی های دنیا به «علم قدرت» تفسیر می شد،  
حضرت امام به عنوان اولین گام در شروع نهضت خویش ابتدا به تأویل حقیقی این واژه در  
قاموس اسلام ناب نشست و اینگونه بیان داشت که: «سیاست اتخاذ تدابیری است در جهت  
جلوگیری از ظلم و ستم، برقراری عدالت، احقاق حق مظلوم، تربیت انسانهای آزاد، مؤمن و  
متعهد و بطور کلی ساختن جامعه ای ایده آل بر اساس قوانین حیات بخش اسلام و هدف  
سیاست در اسلام را ایجاد جامعه ای خالی از هرگونه فکر و عمل شرک آلود، ظلم و تعدی و  
استثمار معرفی نموده که در آن انسانها آزاد، برابر، مؤمن و متعهد به زندگی برادرانه اسلامی  
خود ادامه می دهند و بدینسان برای ایجاد:

۱- امنیت و جلوگیری از ظلم و تجاوز

۲- حفظ استقلال و ممانعت از تسلط بیگانه

۳- تربیت صحیح و انسانهای نمونه

نهضت خویش را آغاز نمود، نابودی اصل حکومت جباران و مستکبران، محور نفوذ  
سیاسی منافقان و خائنان و دهها هزار آرمان مقدس و والای دیگر، که استقراء تام تمامی  
آنها فرصت و مجالی واسع می طلبد، وجه همت آن بزرگ بود آنچه در ذیل می آید تنها و

تنها اشارتی است ناقص و گنگ به گوشه‌هایی از بینش و سیره سیاسی معظم له.

• حمایت از حرکت‌های اصلاح طلبانه آیت الله مجاهد مرحوم حاج آقا حسین قمی (ره) به کمک و همیاری مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس سره).

از باب نمونه هنگامیکه آیت الله حاج آقا حسین قمی (ره) در ارتباط با اقدامات دولت در مورد بی‌حجابی و... به تهران آمد و دولت وقت با وجود موضع ضعیفی که داشت از پیشنهادات معظم له سرباز زد، عده‌ای از علماء مبارز که در رأس آنها حضرت امام قرار داشتند به تلاش افتادند تا مانع از آن شوند که دولت به مرجع بزرگی همچون حاج آقا حسین قمی بی‌اعتنائی و پیشنهادات او را نادیده بگیرد، بدین جهت امام به اتفاق یکی از علماء به بروجرد آمده و با آیت الله بروجردی در این رابطه تماس می‌گیرند و ایشان پیام سرنوشت ساز و تندی برای دولت فرستاده و تهدید می‌نمایند که اگر به پیشنهادات آقای قمی توجه نشود من با همه عشایر لرستان به طرف تهران حرکت می‌کنم و این پیام، دولت را وادار به تجدید نظر در مواضع خود می‌نماید.

• حمایت امام از مرحوم آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام.

• جریان دیگری پیش آمده بود که طی آن شاه به آقای بروجردی بی‌اعتنائی می‌کند، آیت الله آذری قمی می‌گویند: ما همان موقع خدمت آقای خمینی رفتیم و در این رابطه با ایشان صحبت کردیم و بی‌اعتنائی و اهانت شاه نسبت به حضرت آیت الله بروجردی را به اطلاع ایشان رساندیم امام در جواب ما فرمودند: اگر آقای بروجردی اجازه بدهند من یک روزه سرتاسر ایران را بر علیه دولت به شورش وامی دارم.

این جمله حساس را امام در زمانی ایراد فرمودند که تنها به عنوان یکی از فضلا و مدرّسین حوزه بشمار می‌رفتند و نیز سندی به تاریخ یازدهم جمادی الاولی ۱۳۶۳ هـ. ق یعنی حدود ۴۵ سال قبل و بیست سال قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ است و در یادنامه مرحوم سیدعلی وزیری به دستخط امام نوشته شده که حاکی از سلحشوری و مجاهدت امام در سال‌هایی است که خفقان سرتاسر کشور را فرا گرفته بود برای مزید اطلاع خوانندگان محترم عیناً درج می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى: قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی وفرادی

خدای تعالی در این کلام شریف از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت

را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میان تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده، این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است، قیام برای خدا است که ابراهیم خلیل الرحمن را به منزل خلت رسانده و از جلوه‌های گوناگون عالم طبیعت رهانده «خلیل آسا در علم الیقین زن، ندای لاحب الافلین زن» قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا بر فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را بباد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و بمقام صعق و صحو کشاند، قیام برای خدا است که خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را یک‌تنه بر تمام عادات و عقائد جاهلیت غلبه داد و بتها را از خانه خدا برانداخت و بجای آن توحید و تقوی را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را بمقام «قاب قوسین او ادنی» رساند، خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده، قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده، قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را بطوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمهٔ مستی شهوت پرست پشت میزنشین شدند، قیام برای شخص است که یک نفر مازندرانی بی سواد را بر یک گروه چند میلیونی چیره می‌کند که حرث و نسل آنها را دست خوش شهوات خود کند، قیام برای نفع شخصی است که الآن هم چند نفر کودک خیابان گرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده، قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مستی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشاء کرده، قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مستی هرزه گرد بی شرف کرده و نفس از هیچکس در نمی‌آید، قیام برای نفس است که چادر عفت را از سرزنهای عقیف مسلمانان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی‌گوید، قیام برای نفع‌های شخصی است که روزنامه‌ها که کالای پخش فساد اخلاق است امروز هم همان نقشه‌ها را که از مغز خشک رضاخان بی شرف تراوش کرده تعقیب می‌کنند و در میان توده پخش می‌کنند، قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان بر علیه دین و روحانیت هر چه می‌خواهد بگوید و کسی نفس نکشد، هان ای روحانیین اسلامی، علماء ربانی، ای دانشمندان دین دار، ای گویندگان آئین دوست، ای دین داران خداخواه ای خداخواهان حق پرست، ای حق پرستان شرافتمند، ای شرافتمندان وطن خواه، ای وطن خواهان با ناموس، موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی

را که پیشنهاد فرموده پذیرید و ترک نفع های شخصی کرده تا به همه سعادت های دو جهان نائل شوید و با زندگانی شرافتمدانه دو عالم دست در آغوش شوید.  
ان لله فی ایام دهرکم نفعات الافتراضوا لها.

امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است اگر مجال را از دست بدهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید فردا است که مستی هرزه گرد شهوتران بر شما چیره شوند و تمام آئین و شرف شما را دستخوش اغراض باطله خود کنند، امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه عذری دارید همه دیدید کتاب های یک نفر تبریزی بی سرو پا را که تمام آئین شماها را دستخوش ناسزا کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غائب روحی له القداء آن همه جسارتها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد، امروز چه عذری در محکمه خدا دارید، این چه ضعف و بیچاره ایست که شماها را فرا گرفته ای آقای محترم که این صفحات را جمع آوری نمودید و به نظر علماء بلاد و گویندگان رساندید خوب است یک کتابی هم فراهم آورید که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده و از همه امضاء می گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جسارتی می شد همه یک دل [ویک] جهــــــــــــــــــــست از تمام کشور قیام می کردند خوب است دین داری را دست کم از بهائیان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه زندگی کند از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی به او شود برای او قیام کنند.

شماها که بحق مشروع خود قیام نکردید خیره سران بی دین از جای برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی دینی را آغاز کردند و بهمین زودی بر شما تفرقه زده ها چنان چیره شوند که از زمان رضاخان روزگارتان سخت تر شود.

ومن یخرج من بینه مهاجراً الی الله ورسوله ثم یدر که الموت فقد وقع اجره علی الله.

۱۱ شهر جمادی الاولی ۱۳۶۳

سید روح الله خمینی

و نیز:

- \* شکستن ابهت پوشالی شاه منفور
- \* صدور مسلسل اعلامیه های روشنگر و افشاء کننده در مقابل رژیم سفاک وقت
- \* افشاء و مفتضح ساختن «انقلاب شاه و ملت»
- \* مخالفت صریح با انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی



\* رهبری حرکت ۱۵ خرداد ۴۲ (فصل جدید و مبدأ جدی نهضت اسلامی)

\* سخنرانی برعلیه لایحه مربوط به مستشاران امریکائی و فراخوانی امت مسلمان به

قیام علیه حکومت

\* ادامه هدایت و رهبری نهضت از ترکیه و نجف (پس از تبعید)

\* مبارزه پیگیر و ویرانگر علیه حزب منحوس رستاخیز ایران

\* طرح جدی حکومت اسلامی ...

آیت الله شیخ ابوالقاسم خزعلی می فرمود: از مرحوم علامه طباطبائی نقل شد که در جلساتی که در رابطه با نهضت اسلامی با حضور تنی چند از مراجع تشکیل می شد هنگامیکه نوبت سخن به امام خمینی می رسید همه چون شاگرد مکتبی بودند و او استاد.

## تعهد امام

حجت الاسلام واعظ طیبی گوید:

سال ۴۳ بدنبال یک بازداشت که برایم پیش آمد بعد از آزادی در قم محضر حضرت امام شرفیاب شدم شب چهاردهم مردادماه بود. امام از اندرون به بیرونی تشریف آوردند به ایشان عرض کردم اگر خاطر مبارک مستحضر باشد در چهار پنج ماه قبل در یک سخنرانی کوتاه عرض کردم برای بیعت آمده ایم و تنها سرمایه من یک فرزند است که حاضرم در راه تفکر و اندیشه انقلابی شما تقدیم کنم و امروز که از زندان آزاد شده ام آمده ام عرض کنم با همان روحیه و طرز فکر در خدمت شما هستم.

امام ضمن آنکه بنده را مورد تفقد قرار دادند دعا کردند و فرمودند:

«شما جوانید و باید با همین روحیه کارها را متعهدانه دنبال کنید و اما من که سنینی را پشت سر گذاشته ام به شما بگویم از کسانی نیستم که فکر کنم راه زندگی اسلامی من منحصر به عبادت در مسجد است اگر احساس کنم قدرتهای استکباری منافع ملت اسلام را مورد تعرض قرار دادند از خانه بیرون می آیم و داد خواهم زد و وظیفه هر مسلمان است که خودش را در برابر اسلام عزیز و جوامع اسلامی متعهد بداند.»

هنوز این صدای روحانی و ملکوتی امام را در گوشم احساس می کنم و برایم خاطره ای فراموش نشدنی است.

\*\*\*

## سازش ناپذیری امام

در این باره مفسران و تحلیلگران و صاحب نظران جهان سخن بسیار گفته اند ولی از باب الفضل ما شهدت به الاعداء به کلام زیر بسنده می‌کنیم.

«هنری پرشت» کاردار سیاسی - نظامی سفارت آمریکا در سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸م و مسئول دفتر امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰، در مصاحبه‌ای با صدای آمریکا ناگزیر از واقع‌نگری از امام خمینی تجلیل می‌کند و می‌گوید: «تردید نیست که ایشان یکی از مردان بزرگ تاریخ در این قرن بود و کمتر کسی را امروز می‌توان یافت که از جاذبه و نفوذی همانند آنچه که نه تنها در ایران بلکه در جهان داشت برخوردار باشد و توجه قدرتهای بزرگ را تا به این حد به خود معطوف دارد».

کاردار سفارت آمریکا می‌افزاید: «به گمان من مورخان روزی نشان خواهند داد که او مردی بود که شخصیتش به خوبی درک نشده است. او مردی بود که تنها قضاوت خدا را قبول داشت و سازشکاری نکرد».<sup>۱</sup>

## اصحاب استفتاء امام

حضرات آیات و حجج اسلام:

۱ - سید محمد ابطحی کاشانی

۲ - سید عباس خانم یزدی

۳ - سید جعفر کریمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴ - شیخ محمد حسن قدیری

۵ - شیخ حسین راستی کاشانی

بعض مشایخ اجازة امام در روایت

آیات عظام :

۱ - شیخ محمد رضا اصفهانی نجفی آل‌علامه شیخ محمد تقی اصفهانی از میرزا

حسین نوری از شیخ انصاری

۲ - شیخ عباس قمی از میرزا حسین نوری از شیخ انصاری

.....

۱ - روزنامه اطلاعات شنبه ۱۰ تیرماه ۱۳۶۸ شماره ۱۸۷۸۸.

- ۳ - سید محسن امین از سید محمد هاشم موسوی رضوی هندی از شیخ انصاری  
 ۴ - سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی از آقا میرزا محمد هاشم اصفهانی از شیخ  
 انصاری (ره) .

### هم بحثهای امام

- ۱ - مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی  
 ۲ - مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد  
 ۳ - مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن فرید گلپایگانی  
 ۴ - آیت الله آقا ریحان الله نخعی گلپایگانی  
 ۵ - مرحوم آیه الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای .

### ویژگیها و ملکات روحی امام

گرچه در این زمینه یک عمر هزار ساله باید تا من یکی از هزار گویم و زبانی به پهنای فلک باید داشت تا اوصاف کمال بی شمار او را شمارش کنم و وسعت بینشی به گستردگی تاریخ بشریت لازم است تا ابعاد وسیع وجود امام را برشمارم ولی در اینجا از باب «مالا یدرک کله لایترک کله» به پاره‌ای از خصائل و صفات ایشان اشاره می‌کنم.

### ۱ - پرهیز از جدال و مراء

قال رسول الله (ص) اوریع الناس من ترك المراء وان كان محققا باور عترتین مردم کسی است که مراء را ترک گوید اگر چه حق با او باشد.

آیت الله ابراهیم امینی ضمن مصاحبه‌ای گفتند: یکی از صفات امام خمینی (قدس سره) این بود که از مناظره و جدال و خودنمایی در بحث اجتناب می‌کرد، روزی از ایشان و علامه طباطبائی به حجره‌ام دعوت و مسئله‌ای فلسفی مطرح کردم، هر دو نفر خوب گوش دادند ولی ساکت بودند، علامه نگاهی به امام کرد و تبسمی نمود و با تبسم جواب را به عهده علامه گذاشت و امام هم گوش کرد پس از آن سؤالی فلسفی از امام کردم نگاهی

.....

۱ - بحار الانوار ج ۲/ ۱۷۲ به نقل از میزان الحکمه ج ۷

۲ - سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام ج ۴/ ۱۱۰

مؤدیانه به علامه کرد و جواب داد اینجا علامه گوش داد و نتوانستم این دو استاد را به بحث طلبگی بکشانم.

## ۲ - امام دوستان خود را فراموش نمی‌کرد

آیت الله ابراهیم امینی باز گویند: مدت یکماه مریض شده و در مدرسه حجتیه در حجره ام بستری بودم، در طول این مدت روزهای چهارشنبه امام به اتفاق یکی از دوستان دانشمند ما در حجره مدرسه از من عیادت می‌کرد در صورتی که من یک طلبه گمنامی بیش نبودم.<sup>۱</sup>

و یکی دیگر از آقایان در ضمن برشمردن ملکات روحی امام گفت: از آن روزی که من توی خانه افتاده ام همه مرا فراموش کردند جز امام که معمولاً از من احوالپرسی می‌کردند.

## ۳ - اغتمام از فرصت

یکی از راههای موفقیت و کامیابی افراد، استفاده از فرصتهای طلایی و کار امروز را در وقت خود انجام دادن است. آیت الله سید عباس خاتم یزدی فرمود: امام هیچگاه وقت خود را بیهوده صرف نمی‌کردند و بدون جهت از دست نمی‌دادند بلکه بیشترین استفاده را از اوقات گرانبهای خود می‌نمودند.

البته قابل ذکر است که داشتن جلسات انس و تفریح سالم که اعصاب را از فرسودگی نجات می‌بخشد جزء اتلاف وقت به حساب نمی‌آید.

## ۴ - دوری از غیبت

از قول یکی از نزدیکان امام نوشته‌اند:

از مسائلی که تمام دوستان امام بر آن اتفاق داشتند، این بود که حساسیت عجیبی نسبت به غیبت کردن داشتند و از همان ایام جوانی، در هر مجلسی که نشسته بودند به هیچ وجه اجازه نمی‌دادند فردی غیبت کند و اگر کسی صحبت می‌کرد و می‌خواست شروع به غیبت کند، فوراً ایشان مطلب را برمی‌گرداند و رشته سخن را تغییر می‌دادند.<sup>۲</sup>

.....

۲ - سیمای فرزندگان ج ۳/ ۱۰۴.

۱ - پیام انقلاب ش ۱۰۵.

آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی فرمود: مرحوم امام با عده‌ای از دوستان خود مثل آیه الله حاج سید احمد زنجانی و حاج میرزا عبدالله مجتهدی و مرحوم آقا سید احمد لاسوانی و ... جلسه انسی داشتند یکی از شرایطش این بوده که در آن غیبت نشود و شرط دیگرش این بوده که بحث علمی در آن نشود، (که جمع این دو شرط خیلی مشکل به نظر می‌رسد).

حجة الاسلام والمسلمین توسلی می‌گوید: عده‌ای از طلاب قبل از سال ۴۲ در بیرونی امام وقتی رابه بحث اختصاص داده بودند و گاهی از بعضی روحانیون انتقاد می‌شد یک روز مرحوم حاج آقا مصطفی فرزند امام پیام آوردند که آقا فرمودند: شنیده‌ام در اینجا برخی، به علماء اهانت کرده و از آنها غیبت می‌کنند، بنده راضی نیستم کسی در این خانه غیبت، یا به کسی اهانت کند.<sup>۱</sup>

## ۵ - ترک مکروه

یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید روزی حضرت امام فرمودند: این فرش را از این جا جمع کنید چون روی این فرش نقش حیوانات وجود دارد و نماز خواندن در اتاقی که در آن تصویر باشد مکروه است.<sup>۲</sup>

این عمل مرا به یاد این عمل پیامبر(ص) می‌اندازد که هنگامی که دید پرده‌خانه‌اش تصویر دارد به یکی از زنان خود فرمود: «ای زن - این پرده را از من پنهان کن، زیرا هروقت به آن نگاه می‌کنم بیاد دنیا و زخارف آن می‌افتم».

## ۶ - توجه به مستحبات

یاران امام گویند:

امام در عین این که تمامی شجاعتها و بی باکیها در راه خدا، در جانش تبلور پیدا کرده است ولی هیچگاه از اذکار و نوافل و مستحبات غافل نمی‌ماند و حتی در حال قدم زدن تسبیح در دست گرفته و ذکر و زیارت می‌خواند، امام روزانه چندین نوبت قرآن

۱ - همان ص ۲۵۲ و نیز مجله پاسدار اسلام ش ۱۳/۴۹۰. زی طلبگی ۴۴ و سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۲/۱۴۲ و ۲۹/۲۹.

۲ - فراهانی از ابعاد روحی امام / ۲۰.

می خواند با همان صدای ملکوتی، ایشان در هر فرصت مناسبی که پیش می آید قرآن می خواند و معمولاً بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و یا در هر فرصت دیگر مقید به این مستحب الهی هستند و ما بارها که در ضمن روز خدمت ایشان می رسیم امام را مشغول خواندن قرآن می یابیم... در منزل خیابان دربند شمیران، بارها امام را با همان صدای ملکوتی که آهنگ تسبیح و تقدیس فرشتگان را تداعی می کرد مشغول خواندن دعای کمیل دیدیم.<sup>۱</sup>

یکی از همراهان امام در نجف اشراف اظهار می دارد که: ایشان در ماه رمضان هر روزه جزء قرآن می خواندند یعنی در هر سه روز یک دوره قرآن می خواندند، برادران خوشحال بودند که دو دوره قرآن را خوانده اند ولی بعد می فهمیدند که امام ده یا یازده دوره قرآن را خوانده اند و فکر می کنم که حالا هم ایشان این برنامه را داشته باشند فرزند امام می گفت: شبی در ماه رمضان من پشت بام خوابیده بودم - خانه ایشان یک خانه کوچک ۴۵ متری بود - بلند شدم دیدم که صدا می آید و بعد متوجه شدم که آقا است، که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دستهایش را طرف آسمان بلند کرده و گریه می کند.

برنامه عبادی ایشان این بود که در ماه رمضان شب تا صبح نماز و دعا می خواندند و بعد از نماز صبح و مقداری استراحت برای کارهایشان آماده بودند.<sup>۲</sup>

در یکی از نشریات از قول فرزند امام نقل شده: روز اولی که شاه رفت مادر نوفل لوشاتو بودیم، نزدیک به سیصد الی چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند تختی گذاشتند و امام روی آن ایستادند، تمام دوربینها کار می کرد قرار بود هر چند نفر خبرنگار یک سؤال بکنند دو سه سؤال از امام شد که صدای اذان ظهر شنیده شد بلافاصله امام آنجا را ترک کردند فرمودند وقت فضیلت نماز ظهر می گذرد. تمام حاضرین از اینکه امام بدون جهت صحنه را ترک کردند متعجب شدند کسی از امام خواهش کرد که چند دقیقه ای صبر کنید تا حداقل چهار پنج سؤال دیگر بکنند امام فرمودند، به هیچ وجه نمی شود و رفتند.

.....

۱ - فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی/ ۱۹.

۲ - ایشان به صحیفه سجاده‌ی علاقه خاصی داشت و به مناجات شعبانیه بسیار توجه می نمود و بر دعای سحر امام پنجم (ع) شرح نوشت و از میان زیارتها به زیارت جامعه عشق می ورزید.

۳ - همان / ۷۰ و نیز ببینید ص ۲۰ و ۵۷ و سیمای فرزنانگان ج ۳/ ۲۲۰. دیدگاهها و انقلاب اسلامی ایران ۹۳ (اظهارات آیت الله قدیری) و در روزهای آخر عمر مبارکشان در بیمارستان از سیمای جمهوری اسلامی همگان شاهد نماز شب معظم له بودند.

یک شب فقیری برای عرض حاجت به بیرونی آمد، مسئول اداره بیرونی با او برخورد خوبی نکرد، حضرت امام که از دور با دقت مواظب بود، بعداً به مسئول بیرونی اعتراض کرده و فرمود: این چه طرز برخورد است وی جواب داد: او دیروز و روز قبل از آن نیز آمده بود امام فرمود: بگذارید بیاید، محتاج است، نیازمند است و حاجتش او را واداشته که اینجا بیاید و صاحب‌الحاجة اعمی لایری الاحاجته، یا باید حاجتش را برآورده کنیم و یا با یک بیانی او را راضی نمائیم، مردم را نرنجانید.<sup>۱</sup>

## ۱۰ - توسل به ائمه اطهار(ع)

معظم‌له نسبت به خاندان عصمت و طهارت علاقه غیرقابل وصفی داشتند در رابطه با زیارت تربت پاک معصومین(ع) خواندن زیارت جامعه کبیره، گریستن در عزای ذریه رسول خدا خاصه در مجالس عزای سیدالشهداء ابوعبدالله الحسین(ع) و ترویج از عزاداری سنتی در ضمن سخنان خود و برپائی مجالس عزاداری، یاران و نزدیکان امام گفتنی‌های فراوان دارند.<sup>۲</sup>

و اگر امروزه در اقصی نقاط کشور جمهوری اسلامی ایران دعای ندبه و کمیل و توسل و... برگزار می‌شود مرهون توسلات ایشان و سایر بزرگان دین است.

## ۱۱ - تکریم و بزرگداشت اساتید و علمای هم عصر خود

مرجع فقید شیعه در مناسبت‌هایی که سخن از اساتیدش به میان می‌آمد از تجلیل و تکریم آنان فروگذار نمی‌کرد و اما در مورد احترام ایشان از علمای هم‌عصر خود مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین سید عباس مه‌ری چنین می‌گوید:

بعد از فوت آقای حکیم که برای تسلیت به نجف آمده بودم خدمت امام هم رفتم شب عید غدیر بود، دیدم امام چراغانی نکرده اند سلام کرده و دستش را بوسیده و گفتم امشب شب عید غدیر است و مردم منتظر قدم مبارک شما هستند تا دستتان را ببوسند شما نه .....

۱ - سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱/۱۱۴.

۲ - ببینید: بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۲۹، سیمای فرزندان ج ۳/۱۷۹ - ۱۸۲

فرازهایی از ابعاد روحی اخلاقی و عرفانی امام خمینی ۲۲-۲۴، زی‌طلبگی ص ۱۱۳ به نقل از زن روز ش ۹۵۳ از خواهر دباغ و سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام ج ۶/۱۴۴-۱۴۷ و ص ۷۱.

و بد نیست بدانید که وقتی که ایشان می خواستند از زمین بلند شوند همیشه دست چپ را به زمین می گذاشتند و وقتی می خواستند برای تدریس بالای منبر بروند ابتدا پای راست را روی پله منبر نهاده با مکشی کوتاه بالا می رفتند، هنگامیکه وارد خانه، مدرسه و یا مسجد می شدند ابتداء قدم راست را به داخل می گذاشتند، در خیابان همیشه از دست راست خیابان حرکت می کردند گامهای خود را سنگین برداشته و با سرو گردن افراخته و راست و استوار راه می رفتند و از عبا سرکشیدن و سر پایین افکندن حتی در هنگام باران باریدن خودداری می نمودند.<sup>۱</sup>

و خواهر دباغ می گوید: روز جمعه بود در پاریس خدمت امام عرض کردم: خبرنگاران آمده اند مصاحبه کنند امام فرمودند حالا وقت انجام مستحبات است وقت مصاحبه نیست وقتی مستحبات روز جمعه را بجا آوردند فرمودند: من برای مصاحبه آماده هستم.<sup>۲</sup>

#### ۷- برخورد با مخالفین

حجت الاسلام عبدالعلی قرهی نقل کردند که امام فرمودند یک نفر آمد نجف و به من بد گفت در حالی که تا وقتی که اینجا بودم برایش پول می فرستادم، این کار امام شبیه کاری است که علی (ع) و امام مجتبی (ع) نسبت به دشمنان خود می کردند.<sup>۳</sup>

#### ۸- انفاق در راه خدا

در خمین از مرحوم پدرش ارثیه ای به ایشان رسیده بود نماینده خود در خمین حجت الاسلام والمسلمین علی جلالی خمینی (امام جمعه شهر) را خواسته و نوشتند: جنابعالی وکیل هستید زمین های متعلق به اینجانب را هر چند ناقابل است هرطور صلاح می دانید تقسیم کنید بین فقراء، و تملیک آنان نمایند چه ساختمان شده باشد یا نشده باشد.

#### ۹- توجه به فقرا

حجت الاسلام والمسلمین کریمی از اصحاب استفتاء امام می فرمود:

.....

۱- معیارهای شناخت امام / ۱۷۸ با تصرف در عبارت.

۲- زی طلبگی ص ۱۲۲ به نقل از زن روزش ۹۵۳. سرگذشتهای ویژه از زندگی امام ج ۳۱/۴ و درباره این خصوصیت ایشان ببینید ج ۱۰۰/۶ و ج ۵۱/۲، سرگذشتها

۳- سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۳۱/۵ و ج ۳ ص ۳۰.



چراغانی کرده‌اید و نه بیرون می‌آئید فرمود: می‌دانید ما کی را از دست دادیم؟ ما آیه‌الله حکیم را از دست دادیم تا یکسال نباید احترام این شخصیت را حفظ کرد؟ ما فرج و سرور داریم؟ بعد از رفتن آقای حکیم ما خوشحالی باید داشته باشیم؟ و اضافه کردند بر همه واجب است که این بزرگوار را احترام کنند.<sup>۱</sup>

حجة الاسلام والمسلمین محمد امامی کاشانی نقل کردند:

یکی از طلبه‌های قم نسبت به مرحوم آیت‌الله بروجردی ایرادهائی داشت، درس که تمام شد امام این طلبه را به گوشه‌ای بردند فرمودند راجع به اعلمیت و تقوای آقای بروجردی اصلاً نباید شک کرد... امام خیلی جدی صحبت می‌کردند، آن وقت من احساس کردم ایشان چقدر به آیت‌الله بروجردی تعظیم می‌کنند.<sup>۲</sup>

حجة الاسلام شیخ عبدالعلی قرهی در این باره فرمود:

یک وقت به امام در نجف خبر رسید که از طرف صدام رئیس حزب و احمد حسن البکر رئیس جمهوری از بغداد آمده‌اند و آیت‌الله حاج سید محمود شاهرودی (یکی از مراجع نجف بود) را احضار کرده‌اند که برود بغداد و محاکمه‌اش کنند وقتی این مطلب به عرض امام رسید به من فرمودند که به منزل آیت‌الله شاهرودی بروم و این مطلب را تحقیق کنم من هم امتثالاً رفتم و تحقیق کردم، دیدم مطلب همین‌طور است و آنها اینقدر بیشرمانه آمده‌اند مرجعی را احضار کنند. امام مرا شبانه امر فرمودند بروم کربلا و مطالبی به استاندار کربلا بگویم (چون آن وقت نجف فرمانداری بود) من شبانه به منزل استاندار رسیدم و آنچه امام فرموده بودند بدون یک کلمه کم و زیاد به استاندار گفتم (که متأسفانه الآن عین مطالب بذهنم نمانده) و خلاصه‌اش این بود که این امام بزرگوار در فرمایشات خود آن قدر آقای شاهرودی را بزرگ کردند که بوصف نمی‌آید و همان‌طور که قیافه آن مرد نشان می‌داد، در دل شب مثل اینکه اصلاً عوض شد و گفتم چشم حل می‌کنم، بعد از دو یا سه روز تلفن زدند و غائله ختم شد.<sup>۳</sup>

از یکی از فضلا شنیدم که هنگامی که در حدود ۴۵ سال قبل حضرت امام از عتبات برگشته بودند آیت‌الله آقای سید احمد زنجانی و آیت‌الله آقا موسی شبیری و امام موسی صدر به دیدن ایشان رفته امام موسی صدر سؤال می‌کند که علمای نجف را چگونه

.....  
۱- سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۶ ص ۱۵۹-۱۶۰ با تلخیص.

۲- سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۶/۲۳

۳- سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱/۱۳ باصرف در لفظ.

یافتید؟ فرموده بود مثل آقا سید محمد رضای (آیت الله گلپایگانی دام ظلّه) خودمان ندارند.

اساتاد محترم مدرّس احکامی نقل می‌کرد که به اتفاق جمعی از دوستان به منزل امام رفتیم یکی از علماء نزد امام بود لحظه وارد شدن ما با رفتن آن عالم همزمان می‌شد و امام دید اگر به ما اجازه ورود بدهد بدرقه و احترام لازم از آن عالم نخواهد شد روبه ما کرده و فرمود همانجا بایستید، آن عالم را بدرقه کرد، آنگاه به ما اجازه ورود داد.

این احترام ایشان مخصوص علماء و دانشمندان نبود که با همه محترمانه برخورد می‌کردند خانم صدیقه مصطفوی می‌گوید: در دوران زندگیشان من تا کنون ندیدم یک مرتبه یک کسی را بلند صدا کند اسم کارگیشان را هم سبک صدا نمی‌زدند و با احترام نام می‌بردند.

## ۱۲ - تکریم فرزند شهید

حجت الاسلام محمّد حسن رحیمیان عضو دفتر حضرت امام گوید:

عاطفه و محبت امام نسبت به مؤمنین و مستضعفین به همان اندازه عمیق و شگفت‌انگیز است که انعطاف‌ناپذیری و سرسختی معظم له در برابر مستکبرین و ستمگران و آن عاطفه و این سرسختی را در عواطف محرومین و مستضعفین و کینه و دشمنی مستکبرین و ستم‌پیشگان نسبت به ایشان بطور متقابل می‌توان ارزیابی کرد.

چندی پیش یک خانم ایتالیائی که شغل او معلمی و دینش مسیحیت بود نامه‌ای آکنده از ابراز محبت و علاقه نسبت به امام و راه او همراه با یک گردن بند طلا برای حضرت امام فرستاده بود و متذکر شده بود که این گردن بند را که یادگار آغاز ازدواجم هست و به همین جهت آن را بسیار دوست می‌دارم به نشان علاقه و اشتیاقم نسبت به شما و راهتان تقدیم محضر شما می‌نمایم.

مدتی آن را نگهداشتیم و بالاخره با تردید از اینکه امام آن را می‌پذیرند یا نه، همراه با ترجمه نامه خدمت معظم له بردیم نامه به عرض ایشان رسید و گردن بند را نیز گرفتند و روی میز که در کنارشان قرار دارد گذاشتند.

دو سه روز بعد اتفاقاً دختر بچه دو سه ساله‌ای را آوردند آنجا که پدرش در جبهه

.....

۱- رسالت سال چهارم ش ۱۰۰۳، پنجشنبه ۸ تیر ۱۳۶۸ ص ۱۰.

مفقود الاثر شده بود. امام وقتی متوجه شدند فرمودند: الآن بیاوریدش داخل. سپس او را روی زانوی خودشان نشانند و صورت مبارکشان را به صورت بچه چسبانیده و دست بر سر او گذاشتند وضعیتی که حتی نسبت به فرزندان خودشان دیده نشده بود و مدتی به همین حالت آهسته با او سخن گفتند با آن که فاصله ما با ایشان کمتر از ۱/۵ متر بود و حرفهای ایشان برای ما مشخص نبود، ولی با آنکه بچه افسرده بود بالاخره در آغوش امام خندید و بدنیاال آن انگار امام هم احساس سبکی و انبساط کرد و آنگاه دیدیم که معظم له همان گردن‌بندی که زن ایتالیائی فرستاده بود را برداشتند و با دست مبارکشان برگردن دختر بچه انداختند و در حالی که دختر بچه از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید از خدمت امام بیرون رفت.<sup>۱</sup>

بی جهت نیست که در روزنامه‌ها و مجلات می‌خوانیم:

عزاداری اطفال یتیم در هند:

مسئولان یتیم‌خانه «بچون کا گهر» دهلی نودر شب هفت رحلت حضرت امام با برپائی مجلس گرامیداشت عروج امام به همراه اطفال یتیم به سوگ نشستند یکی از مسئولان امور یتیم‌خانه طی سخنانی گفت: هرچند با رحلت امام خمینی همه مسلمانان احساس یتیم شدن می‌کنند اما این اطفال مسلمان تنها کسانی هستند که در سراسر جهان به مفهوم کامل کلمه یار و یاور و غمخوار خود را از دست داده‌اند.<sup>۲</sup>

و یکی از کارگزاران بیت امام می‌گفت من در مرگ امام گریه نکردم ولی وقتی به این فکر افتادم که خانواده‌های بی‌بضاعت و خانواده شهدا و یتیمانی که توسط امام سرپرستی می‌شدند و اکنون بی‌سرپرست شده‌اند گریه‌ام گرفت.

نه تنها فرزندان شهدا با رحلت امام یتیم شدند که اهل علم هم یتیم شدند.

و کان لاهل العلم خیر والد و بعده امست یتامی ولده

### ۱۳ - دقت در مصرف بیت المال

همراهان امام در این زمینه نیز مطالب شنیدنی بسیار دارند که برخی از گفتارشان را در زیر می‌آوریم:

حجت الاسلام ناصری گوید: امام همواره می‌فرمود: هیچ کس حق ندارد از اینجا

.....

۱ - سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۶۶/۵.

۲ - اطلاعات هفتگی ش ۲۴۴۹ چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۸ ص ۶.

به جایی تلفن کند، تلفن داخل نجف را اجازه می دادند اما به کربلا یا جای دیگر نمی توانستیم تلفن بزنیم زیرا امام تحریم کرده بود، حتی به فرزند خود فرمود توجع نداشتی به تهران یا جای دیگر تلفن کنی، البته اگر در مسیر انقلاب بود مانند نشر اعلامیه به وسیله تلفن یا گرفتن خبر اجازه می داد.

مورد دیگر، صرفه جوئی کاغذ بود یک بار برادری که مسؤل امور مالی امام بود پشت یک پاکت چیزی نوشت و خدمت امام فرستاد ایشان در یک کاغذ کوچک جواب داد و زیر آن نوشت: شما در این قطعه کوچک هم می توانستید بنویسید. از این رو آن برادر کاغذهای خرده را جمع و جور می کرد و در کیسه ای می گذاشت و هنگامی که می خواست برای امام چیزی بنویسد روی آن کاغذها می نوشت، امام هم زیرش جواب را می نوشتند. بسیار اتفاق می افتاد که ایشان شبها از اندرون بیرون می آمدند و اگر چراغی روشن بود خاموش می کردند و فردا تویخ می کردند که چرا چراغ را روشن گذاشتید.<sup>۱</sup>

یکی از اعضاء فعلی دفتر امام گوید:

... در هنگام وضوگرفتن یک قطره آب اضافی مصرف نمی کردند و حتی در فاصله

بین مسح و شستشوی دست راست و چپ شیر آب را می بستند.<sup>۲</sup>

آیت الله محمد فاضل لنکرانی نقل کردند در عتبات از مرحوم حاج آقا مصطفی پرسیدم شنیده ام از مراجع دیگر هم شهریه می گیری؟ فرمود: بلی پولی را که امام به من می دهد مخارج متوسط زندگی مرا اداره می کند، ولی من احتیاج به کتاب دارم بدین جهت باید از مراجع دیگر هم شهریه بگیرم تا بتوانم کتابهای لازم را تهیه کنم. این داستان به ضمیمه وصیتنامه مرحوم حاج آقا مصطفی که در ۳ ذی قعدة الحرام ۱۳۸۹ تنظیم شده و در آن، کتابها را به فرزند خود می بخشد مشروط بر آنکه تحصیل علوم قدیمه کند و در غیر این صورت به کتابخانه مدرسه آقای بروجردی در نجف اشرف تحویل داده شود و اضافه می کند که چیز دیگری هم ندارم مگر بعضی مختصرات که احتیاج به گفتار ندارد دقت و ساده زیستی امام و فرزندان ایشان را می رساند.

.....

۱ - فرازهائی از ابعاد روحی، اخلاقی و عرفانی امام/۷۴، سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج

۱۳۳/۴

۲ - فرازهائی از ابعاد روحی ۴۶-۴۷.

توضیح بیشتر در کتابهای: سرگذشتهای ویژه از زندگی امام ج/۵/۶۱ و ۱۴۶/۲ و ۸۲ - سیما

فرازانگان ج ۳/۴۲۲-۴۲۴.

درس اخلاص از علی آموخت او از حسین آموخت درس انقلاب هم به زندان رفت و هم تبعید شد قائد اعظم امام مسلمین تخم یأس و بیم از دلها زدود درس وحدت داد با قول و عمل کشف اسرار<sup>۱</sup> عنوان کرد او پرده از سرخلافت<sup>۲</sup> برگرفت شاهد این مدعا مصباح<sup>۴</sup> اوست رازها بگشوده در سر الصلاة<sup>۵</sup> درمکاسب<sup>۶</sup> شیخ اعظم را بدیل جلوه‌ای دیگر ز فقه ناب او از حکومت<sup>۷</sup> بحثهای ناب کرد او اصول فقه را تهذیب<sup>۱۰</sup> کرد سورة الحمد<sup>۱۲</sup> را تفسیر کرد مدح حاضر گویم او را بعد مرگ

عفو و حلمش چون امام مجتباست نهضت او جلوه‌ای از کربلاست شیوة کاظم هم آئین رضاست نائب برحق ختم اوصیاست مژده پیرویش دادم نداست عامل پیروزی و رمز بقاست زانکه او دانا به مکر و حيله هاست در ولایت<sup>۳</sup> رازدان، آن مقتداست عارفان را مرشد وهم رهنماست مخلصان را بهره‌ها از رازهاست بیع<sup>۷</sup> او فقه جواهر را صلاست همچو تحریر الوسیله<sup>۸</sup> پربهاست بر اساس آن قیام ما بیاست الرسائل<sup>۱۱</sup> حاوی بس نکته‌هاست پرتوی از بطن<sup>۱۳</sup> قرآن خداست زانکه او پیوسته حاضر نزد ماست

۱ - اشاره است به کتاب کشف الاسرار از حضرت امام (ره).

۲ و ۳ و ۴ - اشاره دارد به کتاب مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة تألیف حضرت امام (ره)

۵ - اشاره دارد به کتاب «سر الصلاة»، یا «صلاة العارفين و معراج السالكين»، تألیف حضرت امام (ره)

۶ - اشاره دارد به کتاب المکاسب المحرمة تألیف حضرت امام (ره)

۷ - اشاره دارد به کتاب بیع، حضرت امام (ره)

۸ - تحریر الوسیله تألیف حضرت امام (ره)

۹ - اشاره است به بحثهای کتاب ولایت فقیه یا حکومت اسلامی که حضرت امام (ره) به هنگام تبعید در نجف اشرف ایراد فرمودند.

۱۰ - اشاره به کتاب تهذیب الاصول است که تقریرات بحثهای اصولی حضرت امام (ره) می‌باشد که توسط استاد سبحانی نوشته شده است.

۱۱ - اشاره بکتاب «الرسائل»، حضرت امام (ره) است که حاوی چند رساله در مباحث اصول است و به قلم معظم له نگارش یافته است.

۱۲ - اشاره به تفسیر عارفانه سورة حمد توسط حضرت امام (ره) است.

۱۳ - اشاره است به روایاتی که می‌گویند قرآن دارای بطن یا بطنی است که تنها زیدگان بر آن واقفند.

گروهی از مردم سرخود را به سوی خانه خدا خم کرده‌اند و گروهی دیگر در زیر نور شمعها قرآن تلاوت می‌کنند هر دقیقه یک نفر از حال می‌رود و آمبولانسهای هلال احمر به کمک او می‌آیند و این مسئله به ریتم مکرر تبدیل شده است. این روزنامه در پایان با بیان اینکه انبوه مردم عزادار برای لمس مقبره حضرت امام تلاش می‌کنند افزوده است در کنار اتوبانی که تهران را به شهر مقدس قم مرتبط می‌سازد مقبره مرد کهنسالی قرار دارد که یک حکومت ۲۵۰۰ ساله پادشاهی را سرنگون کرد و جمهوری اسلامی را بنیان نهاد و مدت ده سال و نیم آن را هدایت کرد.

### مجالس فاتحه

از طرف مقام معظم رهبری، و آیات عظام و حجج اسلام و سایر اقشار و طبقات مردم در سراسر ایران - حتی روستاها- و سایر کشورهای اسلامی و غیراسلامی مجالس متعدد فاتحه برگزار شد و نویسندگان هریک ماده تاریخی انشا کردند.<sup>۱</sup> و شعرای مذهبی اشعار زیادی در ثنای جانسوز امام سرودند که در اینجا به ذکر قصیده‌یکی از فضلاقم اکتفا می‌کنیم.

#### قصیده‌ای در ثنای پیر عشق

آن که گفتارش همه ذکر خداست	وصف آن گویم که اوروح خدا است
حدس <sup>۲</sup> او الهامی از سوی خداست	آن که در حکمت چو لقمان حکیم
همچو اسماعیل در صدق و وفاست	صبر ایوب است، صبر آن عزیز
چو خلیل الله، آن روح خداست	بت شکن، خصم همه نمرودیان
خشم و قهرش، موسی عمران نماست	پرخروش اندر مصاف کافران
زنده دلها و همه اندیشه هاست	از دم عیسائی آن رادمرد
راستی او یادگار مصطفی است	خُلق او یادآور «خُلق عظیم» <sup>۳</sup>
در شجاعت چون علی مرتضاست	با صلابت، استوار و با نشاط
گوهری از کوثر <sup>۴</sup> خیرالنسا است	باشد او سرچشمه خیر کثیر

.....

۱- رک : کیهان ش ۱۳۶۱۳، شنبه ۳ تیر ۱۳۶۸ ص ۱۶.

از جمله: ان المتقین فی جنات و عیون ۱۳۶۸ از آقای محمد صافی.

۲- گمان حدس قوه قدیة تکاد زینها یضی قایتة

۳- اشاره است به آیه شریفه اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ که در وصف پیامبر نازل گردیده است.

۴- اشاره است به آیه شریفه اِنَّا عَطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ که مصداق بارز آن فاطمه (زهراس) است.

## خواب آیت الله العظمی گلپایگانی در مورد حضرت امام (قدس سره)

بنا به اطلاع موثق آیت الله العظمی گلپایگانی شنبه شب مورخ ۶۸/۳/۱۳ مقارن با ساعت رحلت حضرت امام بعد از اینکه در ساعت ۲۲/۳۰ مشغول استراحت می‌شوند ساعتی بعد با حالتی مضطرب از خواب بیدار شده و از خادم خود می‌خواهند که سریعاً با آیت الله خامنه‌ای تماس گرفته و حال حضرت امام را جویا شود. ایشان در پاسخ به سؤال علت این امر، خوابی را که چند لحظه قبل دیده بودند به این مضمون نقل می‌کنند:

" در خواب دیدم جلسه‌ای است که در آن پیامبر اکرم (ص) و همه ائمه معصومین (علیهم السلام) حضور دارند. پس از مدتی درب باز می‌شود و حضرت امام خمینی وارد اتاق می‌شوند. همه ائمه معصومین و پیامبر به احترام ایشان از جا برمی‌خیزند و پیامبر اکرم (ص) امام خمینی را در آغوش گرفتند و ایشان را غرق بوسه نمودند. که در این حالت مضطربانه از خواب بیدار شدم."

### مدفن امام

مرقد مطهر امام عارفان زیارتگاه عاشقان و پیروان و شیفتگان امام خمینی است که شب و روز زائر دارد و بسیاری با پای پیاده و به صورت دسته‌جمعی از شهر خود تا مزار او راهپیمائی می‌کنند و خود را به مدفن مطهر می‌رسانند و ضمن عزاداری و سینه‌زنی با امام خویش تجدید میثاق می‌کنند.

آل پائیس پرتیراژترین روزنامه اسپانیا در گزارشی تحت عنوان «زیارتگاهی در حال تولد»، مقبره حضرت امام خمینی را یکی از مهمترین اماکن زیارتی برای مسلمانان در آینده خواند.

خاویرو التزوتلا خبرنگار و تفسیرنویس این روزنامه در یک گزارش توصیفی از تهران نوشته است:

زنان، بچه‌ها، مردها، روحانیون و پرسنل نظامی همانند یک اقیانوس انسانی در کنار آرامگاه (امام خمینی) گرد آمده‌اند و اشک می‌ریزند آل پائیس در گزارش خود آورده است

و امام زمان (عج) و حوزه‌های علمیه و مسلمانان جهان و مستضعفان و محرومان و آزادگان دنیا را به سوگ خود نشانند. و قلم همچومنی عاجز است از ترسیم غم فراق این عبد صالح خدا که:

قلم را آن زبان نبود که سرعشق گوید باز و رای حدّ تقریر است شرح آرزومندی

ولی با این همه باید گفت: پس از اعلام صدای جمهوری اسلامی که: «روح امام این قلب تپنده عالم اسلام به ملکوت اعلی پیوست»، از هر کوی و برزن صدای ضجه و ناله به آسمان بلند شد بلند گوه‌های مساجد شروع به پخش قرآن کردند، مردم اشک ریزان و حیران با لباسهای سیاه از خانه‌ها بیرون ریخته و راه جماران را در پیش گرفتند بر اثر ازدحام جمعیت سیل عزاداران و ماتم زده‌گان با ناراحتی مواجه شدند از این رو ستاد برگزاری مراسم عزاداری امام از مردم خواست از رفتن به جماران خودداری کنند- و لذا مردم رو به مساجد و تکایا نهاده و با سردادن شعار:

عزا عزا ست امروز، روز عزا ست امروز، خمینی بت شکن پیش خداست امروز، به سر و سینه خود زده و عزای شورانگیزی براه انداختند که برآستی باید گفت ان الصبر لجمیل الامنک وان الجزع لتبیح الاعلیک وان المصاب بک لجلیل و انه قبلک و بعدک لجلل.

دولت جمهوری اسلامی یک هفته تعطیل سراسری و ۴۰ روز عزای عمومی اعلام کرد و همچنین بسیاری از کشورها هر کدام چند روز عزای عمومی اعلام کردند.

جسد مطهر حضرت امام پس از غسل توسط حجة الاسلام توسلی و امام جمارانی و حاج احمد آقا برای وداع امت وفادار با رهبر گرامیشان به مدت دو روز در مصلاهی بزرگ تهران قرار داده شد که مردم مصیبت زده به نشانه قدردانی از زحمات و وفاداری نسبت به امام خود از هر سوی مملکت رو به سوی تهران نهادند.

بعد از دو روز، نماز میت توسط حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی خوانده شد و سپس پیکر مطهرش بسوی بهشت زهرا حرکت داده شد. طبق گزارش اکثر خبرگزاریها تعداد شرکت کنندگان در مراسم تشییع به بیش از چند میلیون نفر می رسید.

بر اثر ازدحام بیش از حد جمعیت و گرمی هوا، جمع کثیری در مسیر راه بیهوش می شدند و تعدادی نیز کشته شدند. گرچه جسم مطهر امام در بهشت زهرا در کنار شهیدان بخاک سپرده شد اما روح بلند و اندیشه‌های والا و تعالیم اساسی و آرمانهای جاودانی او در میان نسلهای آینده تا جهان هست زنده خواهد ماند.



حضرت سید المرسلین است و حمایت ائمه طاهرین است و حمایت حضرت حجة ابن الحسن عجل الله فرجه است.<sup>۱</sup>

۸- آیت الله حاج میرزا هاشم آملی طی اعلامیه ای به مناسبت رحلت امام (ره) نوشتند:

إِنَّ اللَّهَ وَاَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

با فاجعه دردناک و جانگزار رحلت حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) ملت مسلمان را اندوهی عمیق و غمی جانکاه فرا گرفت شخصیت امام که جامع علم و عمل و ایثار و مجاهده بود توانست با رهبری خالصانه خویش در دنیایی که غرق در ماده پرستی و ظلم و جور بوده و هست کلمه اسلام و توحید را بلند آوازه سازد. از خداوند متعال می خواهم که مساعی جمیله و مجاهدات خستگی ناپذیر معظم له را به رضوان و قرب خویش مأجور فرماید.

۹- آیت الله مجاهد شیخ عبدالحسین امینی (ره) فرموده بود:

الخميني ذخيرة الله للشيعة.<sup>۲</sup>

۱۰- مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی فرمودند:

اگر در این قرن مردی یافت شود که از دین حمایت کند و از اسلام و مسلمین پاسداری نماید آن مرد خمینی است.

۱۱- مرحوم آیت الله کاشانی در محفلی اظهار کرده بود:

تنها کسی که بعد از من امید است به درد ملت ایران بخورد آقای خمینی است.<sup>۳</sup>

### پرواز به سوی ملکوت اعلی

روح بلند رهبر آزادگان و پیشوای مسلمانان جهان، پس از عمری سراسر مبارزه و جهاد و حماسه و تلاش در راه آزادی انسان ها از جهل و تباهی و خلاص از یوغ استعمار و استعباد و رهبری انقلابی که جهان را به لرزه درآورد، به علت ابتلاء به سرطان، ساعت ۱۰/۲۵ شب، سیزدهم خرداد ۱۳۶۸، مطابق با ۲۸ شوال ۱۴۰۹ ق به ملکوت اعلی پیوست

۱- مجله پیام انقلاب . مجله حوزه ش ۱۲.

۲- سرگذشت های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی - مقدمه.

۳- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۹۶ پاورقی.

شخصیتی دعوت حق را لبیک اجابت گفت که با مجاهدت بزرگ و فداکاریها و رهبری های قاطع و محکم خود اسلام را در عالم معاصر زنده کرد و ندای تکبیر و توحید را به گوش جهانیان رسانید و مجد و عظمت مسلمانان را به آنان بازگردانید و فریاد کوبنده اش دل‌های مستکبران ابرقدرت را به لرزه درآورد.

مردی دنیای فانی را وداع نمود و در جوار رحمت خداوند متعال آرمید که با اتکا به نصرت الهی و شجاعت ایمانی، انقلاب اسلامی ایران را به وجود آورد و بر جریان استبداد و استعماری که بر این ملت استضعاف شده حکومت داشت پایان داد و در همه جا مسلمانان و مستضعفان را علیه تباهی برانگیخت فقیهی بزرگ و مرجعی مسلم به جهان باقی شتافت که در زهد و عبادت و شب زنده داری و خوف از خدا و حق گوئی و حقیقت طلبی و صفات ممتازه دیگر از آیات الهی بود. انا لله و انا الیه راجعون.

۶- حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی در جواب جمعی از طلاب می نویسد: حضرت آیت الله آقای خمینی دامت برکاته که یکی از مراجع عالم تشیع هستند از اساطین روحانیت اسلام و مفاخر عالم تشیع بوده و...  
۷- حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی درباره ایشان فرمود:

ایشان مرد بسیار حللی است و شناختم او را به جلالت بسیار، مرد پاکی است پاک، پاکی نفس دارد، پاکی ذاتی و درونی دارد و این بر همه خلق معلوم شده است. ما در مدت پنجاه سال که با این شخص بزرگ آشنائی پیدا کرده ایم جز تقوی و دیانت و سخاوت و شجاعت و شهامت و بزرگی نفس و بزرگی قلب و کثرت دیانت و جدیت در علوم نقلی و عقلی و مقامات عالی و... در او نیافتیم و ندیدیم.

مردی با تقوی به تمام معنی و مردی فداکار اسلام به تمام معنی، این مرد قد مردانگی علم کرد و در مقابل کفر ایستادگی کرد و ید غیبی هم با او همراهی کرد بطوری که محیر العقول بود و در هیچ خانه ای و هیچ زاویه ای از زوایای این مملکت باقی نماند مگر که گفته شد: مرگ بر شاه.

او (حضرت امام) جان در کف دست گذاشته است و در مقابل تبلیغ قرآن و دین حنیف اسلام جانپازی می کند، جان در کف گذاشته و حاضر برای شهادت شده است خداوند یک قوه غریبی در این مرد خلق فرموده که همچون قوه ای که به ایشان داده به هیچ احدی نداده، همچنین جرأتی، چنین شجاعتی و دیدی به او داده است که به احدی نداده. یک چنین کسی کمیاب است، کم نظیر است و نظیر ندارد حمایت این مرد حمایت

حوزه های دیگر و مایه بسی امیدوارها است. و بعضی از افاضل حوزه ی نجف از مرحوم حاج شیخ محمد تقی بروجردی نقل می کنند که مرحوم آیت الله بروجردی کراراً می فرمود: «قصدم دارم که در موقعیت مناسبی زیربازوی جوانی را بگیرم که برای اسلام و مسلمین مثمر باشد» (واشاره به امام خمینی کرده بود)<sup>۱</sup>

۲- مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی آملی ضمن اعلامیه ای در سال ۱۳۸۳ می نویسد:

مقامات علمی و عملی حضرت آیت الله آقای خمینی (متذللہ العالی) پوشیده نیست تا محتاج به بیان باشد. اینجانب جناب ایشان را به عنوان یک نفر از طراز اول از مجتهدین و مراجع تقلید می شناسم.

۳- حضرت آیه الله سید ابوالحسن قزوینی در تلگرام خود به سفارت ترکیه گوید: مهمان عالیقدر که در این ایام قدم به خاک ترکیه نهاده یکی از مراجع بزرگ اسلام و نمونه کامل علم و فضیلت و تقوی است.

۴- حضرت آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی هنگامی که امام به ترکیه تبعید شدند طی تلگرافی در ۵ رجب ۱۳۶۴ با تأیید اقدامات و خط سیاسی شان گفتند: خوشا بر سعادت آن سرزمینی که حضرتعالی در آن تشریف دارید قلوب همه مردم با ایمان متوجه شما است - فانه تعالی جعل افئدة من الناس تهوی اليك - و همگی برای نصرت و تأیید شما که لسان ناطق همه مجامع روحانی و دینی هستید و گفته شما کلام حق و حقیقت است دعا می نمایند.<sup>۲</sup>

و باز در ۴ صفر الخیر ۱۳۸۳ ق در جواب اصناف بازار که راجع به مقام و شخصیت امام پرسیده بودند می نویسد:

حضرت حجة الاسلام والمسلمین آیت الله آقای حاج آقا روح الله خمینی از مفاخر عالم اسلام و یکی از مراجع تقلید می باشند موقعیت دینی و شخصیت اسلامی ایشان بر کسی پوشیده نیست متعجبم چرا چنین سؤال می شود.

۵- قسمتی از پیام آیت الله العظمی گلپایگانی (متذللہ) به مناسبت ارتحال رهبر کبیر انقلاب اسلامی:

۱- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۱۰۱.

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۷۴۹.

آقای جواد آقای کنی	آقای شیخ علی آقا پهلوانی
آقای میرزا هادی فقهی آذرشهری	آقای شیخ محی الدین فاضل هرنندی
آقای نیری بروجردی	آقای ابوالفضل علمائی سرابی
آقای نجم الدین زنجانی	شیخ ابوالقاسم محبوب شیرازی
آقای شیخ ابوالقاسم مسافری اصفهانی	آقای محمد حسین بهجتی یزدی «شفق»
آقای محسن خراسانی تهرانی	آقای فشارکی
آقای سید علی یزدی	آقای شیخ مهدی کنی
آقای امینان گیلانی	آقای شیخ عزیز الله تهرانی
آقای سید ابوالقاسم موسوی کرمانی	آقای مجد الدین شیرازی
آقای شیخ حسن فاضل افغانی	آقای زرندی کرمانشاهی
آقای محقق افغانی	آقای محمد حسین لنگرودی
آقای سید مهدی غیوری	آقای سید اسدالله اشکوری
آقای سید حمید روحانی	آقای صدر اشکوری
آقای دعائی	آقای سید عباس ابوترابی
آقای ناصری یزدی	آقای مشایخی اراکی
آقای شیخ محمد رازی	آقای بطحائی گلپایگانی
آقای شیخ محمد باقر رفیعی	آقای علوی بروجردی
آقای سید محمدعلی روحانی	آقای شیخ احمد مجتهدی تهرانی
آقای حاج سید مهدی روحانی قمی	آقای شیخ محمود موسوی کاشانی
آقای شیخ مهدی فیض قمی	آقای موسوی درچه ای
آقای حاج سید جوادی سجادی نجف آبادی	آقای مؤمنی شهمیرزادی
آقای شیخ رضا حججی نجف آبادی	آقای شیخ مؤمن شیرازی
آقای سروش محلاتی	آقای عطاءالله انصاری همدانی

ستایش علماء بزرگ شیعه از امام

۱ - مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی (رحمه الله) در مورد ایشان چنین می فرمایند:

چشم حوزه علمیه به وجود ایشان روشن است و حوزه تدریس ایشان سرآمد

آقای سید محمد آل طه قمی	آقای شیخ علی افتخاری گلپایگانی
آقای نصراللهی	آقای وحید زنجانی
آقای شیخ حسین مفیدی دلیجانی	آقای شیخ مصطفی زسانی
آقای شیخ محمد رضا کشفی تهرانی	آقای سید مرتضی خلخالی
آقای شیخ عباس رفسنجانی	آقای حاج عزالدین زنجانی
آقای شیخ عبدالعظیم محصلی خراسانی	آقای شیخ هاشم تقدیری
آقای عبدالمجید رشید پور تهرانی	آقای شیخ محمد جواد حجتی کرمانی
مرحوم سید صادق آل محمد اهری	آقای شیخ علی اصغر مروارید
آقای سید عبدالرسول شیرازی	آقای شیخ غلامرضا صلواتی
(شریعتمداری جهرمی)	مرحوم آقا سیتسد حسن شیرازی
آقای سید جعفر یزدی	(شریعتمداری)
آقای حسین زرندی قمی	آقا تقی خلخالی
آقای شیخ مجتبی تهرانی	آقای شیخ جواد خندق آبادی
آقای سید محمد باقر بطحی اصفهانی	آقای فقیه برقی
آقای شیخ علی اکبر تربتی	آقای سید غنی اردبیلی
آقایان اخوان مرعشی	آقای شیخ عبدالله لنکرانی
آقای شیخ حسن صافی اصفهانی	آقای حاج آقا مهدی حائری یزدی
آقای شیخ محمد علی گرامی	آقای فضل الله خوانساری
آقای سید یعقوب موسوی زنجانی	آقای شیخ یحیی اراکی
آقای میرزا ابوالقاسم آشتیانی	آقای شیخ مسلم ملکوتی سرابی
آقای حاج سید حسین موسوی کرمانی	آقای شیخ عباسعلی اصفهانی
آقای حاج میرزا صادق سرابی	آقای شیخ عبدالحسین زنجانی
آقای شیخ مرتضی تهرانی	آقای شیخ بهاء الدین اراکی
آقای شیخ مجتبی حاج آخوند	آقای شیخ محمد نهاوندی
آقای حسین خرم آبادی	آقای شیخ محمد صادق تهرانی
آقای قاضی خرم آبادی	آقای کریمی مازندرانی
آقای صالح طاهری	آقای سید ابراهیم کرمانشاهی
آقای شیخ اکبر تهرانی	آقای سید کرامت الله شیرازی

آقای حاج شیخ مرتضی بنی فضل تبریزی	آقای حاج شیخ غلامرضا رضوانی
آقای محمد هاشمیان کرمانی	آقای شیخ یحیی انصاری شیرازی
آقای حاج شیخ علی دوانی	آقای شیخ حسین شب زنده دار
آقای موحدی کرمانی	آقای شیخ محمد مؤمن قمی
حاج آقا مهدی حائری تهرانی	آقای سید محمد ابطحی کاشانی
آقای حاج سید رضا صدر	آقای حاج شیخ محسن حرم پناهی
آقای شیخ عباس ایزدی نجف آبادی	آقای حاج شیخ مرتضی مقتدائی
مرحوم شیخ علی کاشانی	آقای حاج شیخ محمد رضا مهدوی کنی
آقای حاج سید احمد پیشوائی	آقای شیخ محمد تقی مصباح یزدی
آقای حاج سید حسین پیشوائی یزدی	آقای حاج شیخ یوسف صانعی
آقای میرزا ابوطالب تجلیل تبریزی	آقای شیخ محمد حسن قدیری
آقای شیخ محمد حقی سرابی	آقای حاج شیخ حسین مظاهری
آقای حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی	آقای حاج شیخ محمد امامی کاشانی
آقای سید یوسف مدنی تبریزی	آقای حاج شیخ محمد رضا توسلی محلاتی
آقای شیخ اسدالله نوراللهی اصفهانی	آقای سید مهدی یثربی کاشانی
آقای سید محمد حسین قائینی	آقای سید جلال آشتیانی
آقای سید احمد امامی اصفهانی	آقای سید حسن طاهری خرم آبادی
آقای رضوانی اصفهانی	آقای شیخ محمد هادی معرفت
مرحوم آقا شیخ آقا حسین خندق آبادی	آقای سید موسی صدر
آقای عابدی زنجانی	آقای سید مرتضی جزایری
آقای رضا کنی	آقای سید عبدالله شرف الدین فرزند سید
آقای شیخ اسماعیل صدر محلاتی	شرف الدین
آقای روح الله شاه آبادی	آقای شیخ جلال الدین طاهر شمسی
آقای سید محمد علی حسنی تهرانی	گلبایگانی
آقای شیخ غلامرضا جماعتی	آقای صدیقین اصفهانی
مرحوم سید ابراهیم علوی خوئی	آقای نصرالله شاه آبادی
آقای حاج سید حسین موسوی کرمانی	آقای حاج شیخ صادق خلخالی
آقای سید محمد جواد علم الهدی	آقای شیخ رضا گلکسرخی

## شاگردان امام

معظم له حدود ۳۰ سال به تدریس در رشته های معقول و منقول در حوزه قم و نجف پرداخته و یکی از اساتید بی نظیر علوم اسلامی بشمار می رفته است. قدرت بیان و تقریر عجیبی داشته و در تحقیق مسائل علمی یگانه دوران بودند لذا حوزه درسشان شخصیت های علمی بسیاری را پرورش داده که اکنون هرکدام از آنان از کرسی تحقیق و تدریس و تألیف گرفته تا رهبری مردم نقش سازنده ای را ایفاء می کنند. اسامی جمعی از آیات و حجج اسلام و دانشمندانی که در علوم منقول و یا معقول و در سطح یا خارج افتخار شاگردی امام خمینی (ره) را داشتند:

ستاره ای بدل تیرگی فروزانست

زنور تربیت او به هر کجا نگری

آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری	شهید حاج شیخ مرتضی مطهری
آقای حاج شیخ علی مشکینی	شهید سید محمد حسین بهشتی
آقای شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی	فقید حاج آقا مصطفی خمینی
آقای حاج شیخ عبدالله جوادی	شهید سید محمد علی قاضی تبریزی
آقای حاج شیخ ابراهیم امینی نجف آبادی	شهید شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی
آقای حاج شیخ احمد جنتی	شهید حاج آقا عطاءالله اشرفی اصفهانی
آقای حاج شیخ ابوالقاسم خزنلی	شهید سید محمدرضا سعیدی
آقای حاج شیخ حسین نوری همدانی	شهید حاج شیخ علی قدوسی
آقای حاج شیخ محمد یزدی	شهید شیخ فضل الله محلاتی
آقای حاج شیخ محمد موحدی فاضل لنکرانی	شهید شیخ محمد مفتاح همدانی
آقای حاج شیخ عباس محفوظی گیلانی	شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد
آقای حاج شیخ محمد محمدی گیلانی	شهید محمد مهدی ربانی املشی
آقای حاج شیخ جعفر سبحانی	شهید محمدعلی حیدری نهاوندی
آقای حاج سید عباس خاتم یزدی	مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری یزدی
آقای حاج شیخ حسین راستی کاشانی	مرحوم شیخ عبدالجواد اصفهانی
آقای حاج شیخ علی اکبر مسعودی خمینی	آقای حاج سید علی خامنه ای
	آقای حاج سید موسی شیرازی زنجانی

اشراقی صاحب تفسیر سخن حق

۲- جناب آقای اعرابی

۳- جناب آقای دکتر محمود بروجردی

### برادران و خواهران امام

حضرت امام که از کوچکترین فرزندان پدر و مادر خود بودند سه خواهر و دو برادر داشتند اسامی برادران ایشان عبارتند از:

۱- آیه الله حاج سید مرتضی پسنیدیه برادر بزرگتر حضرت امام که در حال حیات هستند معظم له پس از تبعید حضرت امام به ترکیه و عراق توسط رژیم مستبد وقت سه بار و هربار به بهانه‌ای از قم به خمین تبعید شدند.<sup>۱</sup>

۲- مرحوم دکتر نورالدین هندی که در تاریخ شعبان ۱۳۹۶ به رحمت ایزدی

پیوست.

### نمونه‌ای از اشعار امام

حضرت امام طبع شعر داشته و دیوان شعری هم دارند، که غزل زیرنمودجی از سروده‌های ایشان است:

چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم  
همچو منصور خریدار سردار شدم  
که بجان آمدم و شهره بازار شدم  
که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم  
خرقه پیر خراباتی و هشیار شدم  
از دم رند می آلوده مدد کار شدم  
من که با دست بُت می‌کنه بیدار شدم  
ناگفته نماند که استقبال این غزل امام رفته و اشعاری سروده‌اند و صاحب نظران بسیاری آن را تفسیر کرده‌اند که در مجلات و روزنامه‌ها منعکس است.

من بخال لبت ای دوست گرفتار شدم  
فارغ از خود شدم و کوس انا الحق بزدم  
غم دلدار فکنده است بجانم شرری  
در میخانه گشائیده رویم شب و روز  
جامه زهد و ریا کندم و برتن کردم  
واعظ شهر که از پند خود آرام داد  
بگذارید که از بُت‌کنده یادی بکنم  
ناگفته نماند که تاکنون شعرای بسیاری آن را تفسیر کرده‌اند که در مجلات و روزنامه‌ها منعکس است.

.....

۱- و نیز رک یا دوازه نهضت اسلامی ج ۹۳/۱



۱ - مرحوم آیت الله حاج سید مصطفی خمینی، مجاهدی که از آغاز انقلاب اسلامی به رهبری پدر بزرگوار خود در مبارزه بر علیه کفر و ستم شرکت فعالی داشته و در این راه رنجهای زندان و تبعید را تحمل کرده و سرانجام در دیماه ۱۳۵۶ بطور مشکوکی از دنیا رفت و در جوار امیرالمؤمنین (ع) بخاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

مرگ مظلومانه او یکی از الطاف خفیه الهی بود که آزادی از چنگال رژیم شاهنشاهی را برای ما به ارمغان آورد. وی در نجف حوزه درسی داشته و شاگردان بسیاری پرورش داد که نامشان در فصلنامه یادش ۱۲ سال سوم ص ۱۲ مذکور است.

معظم له تألیفات زیادی در فلسفه و فقه و اصول و تفسیر از خود بجا گذاشته که آثار زیر از آنها به چاپ رسیده است:

الف- تحریرات فی الاصول، شامل یک دوره علم اصول به سبک استدلالی و مفصل که ج ۱ آن به همت حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمد سجادی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۵۶۱ صفحه به قطع وزیری چاپ شده است.

ب- تفسیر القرآن الکریم شامل تفسیر سوره حمد و قسمتی از سوره بقره در سه جلد به قطع وزیری به همت آقای سجادی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طبع شده است.

۲ - حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد خمینی ندیم خلوت و جلوت امام، تنها فردی که در تمام مراحل انقلاب خدمت امام بوده و زحمات طاقت فرسائی را در راه انقلاب متحمل شده اند و در خدمت اساتید بزرگی همچون آیه الله سلطانی و مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری تلمذ کرده اند.

### دامادهای امام

۱ - مرحوم آیت الله حاج شیخ شهاب الدین اشراقی فرزند مرحوم میرزا محمد تقی

.....

۱- ببینید شرح حال ایشان را در کتاب شهیدی دیگر از روحانیت و گنجینه دانشمندان ج ۸ ص ۲۹ تا ص ۴۴ و نهضت روحانیون ایران ج ۳۳۱/۶ تا ۳۶۹. شهدای روحانیت شیعه در یک صد ساله اخیر ص ۲۶۰ و مجله پیام انقلاب ش ۷۰-۱۳۶۱ مصاحبه با حجت الاسلام حاج سید احمد خمینی و ش ۹۶ مصاحبه با آیت الله فاضل. نقش روحانیت در اسلام و اجتماع ۲۲۳-۲۲۷. سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱۶۳/۴ ج ۱۴۳/۳. فصلنامه یادش ۱۲ سال سوم، پانیز ۱۳۶۷ ص ۱۰۷، ۱۳۸، ۱۰۷. شهدای روحانیت ج ۱ ص (دفتر تبلیغات اسلامی قم واحد یادبودها). شهید هجرت و جهاد، آیت الله حاج سید مصطفی خمینی نوشته سید حمید روحانی. مقدمه تحریرات فی الاصول. سیمای فرزندگان ج ۳/۱۹۰. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱.

برطرف گردید که وقتی من به خدمت ایشان رسیدم و به ایشان گفتم چقدر خوب شد شما ملاقات با مردم را قبول نکردید چون با توجه به بیماریتان نمی توانستید دیدار را انجام دهید و این انعکاس بدی در دنیا داشت، امام در اینجا به من گفتند: «آنطوری که من فهمیدم از اول انقلاب تا حالا مثل اینکه یک دست غیبی ما را در همه کارها هدایت می کند»

آیت الله حاج سید مهدی روحانی می فرمود: امام کارهایی می کند که در وهله اول به عقل ما عقلا جور در نمی آید ولی بعداً معلوم می شود حق با ایشان بوده است.

#### ۱۴ - قاطعیت و تصمیم

اسکندر گفته بود یکی از رموز کامیابی من، قاطعیت و اجرای تصمیم بود، از تذبذب و دودلی پس از تصمیم بیزار بودم. و علی (ع) که قاطعیتش زبانزد خاص و عام است در نامه ای که به یکی از فرماندهان نگاشته می گوید: به خدا قسم، اگر همه عرب برضد من بسیج شوند من هرگز به آنها پشت نمی کنم.<sup>۱</sup> و امام با اراده پولادین و قاطعیت علی وار خود هنگامی که تصمیم به سخنرانی و افشاگری بر علیه شاه در فیضیه که منجر به حادثه فراموش ناشدنی پانزده خرداد شد گرفت، و خیرخواهان که آمادگی دشمن و تجهیزات مزدوران رژیم را دیده بودند و احتمال زیاد می دادند که این سخنرانی برای جان ایشان خطر داشته باشد از معظم له خواستند که از سخنرانی چشم پوشی کنند ولی ایشان با قاطعیت فرمود سخنرانی می کنم و به سلامت برمی گردم و اینکار راهم کردند. آری همانگونه که «گفته» می گوید: مرد با اراده، جهان را مطابق میل خود عوض می کند.<sup>۲</sup>

#### فرزندان

حضرت امام در سال ۱۳۴۸ هـ ق با دختر فاضله مرحوم آیت الله حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی ازدواج کرد که ثمره آن دو پسر و چند دختر می باشد:

.....

۱ - نهج البلاغه نامه ۴۵.

۲ - رمز پیروزی مردان بزرگ.

۳ - آیت الله پسندیده، نقل کردند: هنگامی که مسئله ازدواج حضرت امام مطرح شد دختر صبیبه لقای ثقفی قبول نمی کرد، شب در خواب حضرت رسول و ائمه طاهرین (ع) را مشاهده کرد که همراه آنها آقای خمینی نیز به چشم می خورد، اینجا بود که به این ازدواج تن در داد و همواره از آن راضی بود.

۸ — متوجه کردن حملات به شخص شاه، و توجه داشتن به علل اصلی فساد و تباهی و شناخت نقطه ضعف دشمن و وارد کردن ضربه به همان نقطه مثلاً در اعلامیه ای که خطاب به مرحوم آیه الله سید علی اصغر خوئی فرستادند نوشتند: «شاه دوستی یعنی غارتگری» و یا در صحبتی خطاب به شاه فرمودند: می دهم بیرون ت کنند.

۹ — بیان و قلم نافذ و مؤثر

۱۰ — مردمداری و اهمیت به شخصیت مردم که در حد عشق و رزی به مردم بود (حریصٌ عَلَیْكُمْ بِالْمُؤْمِنِینِ رُؤْفٌ رَحِیمٌ)<sup>۱</sup>

گاه می گوید من خادم شما هستم و گاهی می گوید به شما که با مبارزات خویش روی ابرقدرتها را سیاه کردید درود می فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع و خاشع و گاهی می گوید خمینی دست یکایک شما را می بوسد و یکایک شما را رهبر خودش می داند.

۱۱ — همت بلند و والا

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جانی رسیده اند

۱۲ — استقامت در راه هدف

می دانیم افرادی که به کارهای مهم می پردازند قطعاً بیش از سایرین به استقامت و پشتکار محتاجند و بدون آن هرگز به هدف نمی رسند و امام از استقامت و پشتکار و صبر و حوصله خاصی برخوردار بود و لذا کامیاب گردید.

جناب آیت الله حاج سید محمد باقر سلطانی فرمود: امام به مناسبتی فرمود که در دنیا مشکلی وجود ندارد و همه اش خیال اشکال است و لذا ایشان همانند کوه در برابر مصائب و شدائد و ناملازمات ایستادگی می کرد.

۱۳ — تقوی و اخلاص، و بر اثر همین تقوای اعتقادی، اقتصادی، علمی و... و

اخلاص بود که امدادهای الهی همواره شامل حال این انقلاب بود. رهبر اندیشمند جمهوری اسلامی حضرت آیت الله حاج سید علی خامنه ای در جمع فرماندهان و پرسنل کمیته انقلاب اسلامی (۱۸ خرداد ۱۳۶۸) فرمود: قبل از سال جدید با برخی از آقایان خدمت امام بودیم و از ایشان تقاضا می کردیم که در یکی از ایام عید با مردم دیداری داشته باشند اما ایشان نمی پذیرفتند. دو سه روز بعد از عید قلب ایشان ناراحتی پیدا کرد که فوراً رسیدگی شد و خطر

.....

۱ — توبه / ۱۲۷.

خود که تحقیر شده بود، تشخیص دادند.

امام چه کرد؟ او به مردم ما شخصیت داد خود واقعی و هویت اسلامی آنها را به آنان بازگرداند. آنها را از حالت «خودباختگی» و... خارج کرد این بزرگترین هدیه‌ای بود که رهبر به ملت داد او توانست ایمان از دست رفته مردم را به آنها بازگرداند و آنها را به خودشان مؤمن کند.<sup>۱</sup>

۲ - ایثارگری و از خودگذشتگی به تمام معنی در راه هدف مقدس خود که از تن و جان و مناصب و مقامات مادی ارزشش بیشتر است، فداکاری امام به حدی بود که می فرمود: سینه‌ام را برای گلوله‌های شما آماده کرده‌ام و برای گفتار زور شما هرگز.

و از تعطیل درس، شهادت خود و فرزندان و تبعید یا زندان و از دست دادن مال و... هم هراسی نداشت و از آنها در راه آرمان والای خود و نیل به هدف استقبال می‌کرد و لذت و آرامش روح بلند خود را در تحقق یافتن آرمانهای الهی خود می‌دید. حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی دام‌ظله فرموده بود... این مرد از آن مردها نیست و اگر روز عاشورا بود، هفتاد و دو تن، هفتاد و سه تن می‌شد. می‌رفت جنگ و سینه‌اش را سپر می‌کرد. یک همچو شخصی است که جانش را، حیثیتش را، فرزند و عیالش را و هر چه داشت فدای اسلام کرده و از هیچ چیز باک ندارد...<sup>۲</sup>

۳ - شجاعت

۴ - نظم و انضباط

۵ - داشتن بینش عمیق سیاسی و آشنائی به اوضاع زمان، العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس<sup>۳</sup> (کسی که به اوضاع زمان خود آشنا باشد هرگز مورد هجوم ناگهانی واقع نمی‌شود). امام موقعیت شناس بود و فهمید که مردم در آزمان کسی را می‌خواهند که فریاد بزند و... لذا قیام کرد.

۶ - پرورش شاگردان فدائی و انقلابی چون شهید بهشتی و شهید مطهری و خامنه‌ای و هاشمی که تا فریاد زد همه دنبال فریاد او را گرفتند.

۷ - مرجعیت

.....

۱- پیرامون انقلاب اسلامی ص ۱۲۰ - ۱۱۹.

۲ - جمهوری اسلامی سال یازدهم ش ۲۹۱۷، دوشنبه ۵ تیر ۱۳۶۸.

۳ - تحف العقول/ ۳۵۶ چاپ حیدری.

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در این باره گوید:

من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ، تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس، به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه برایمانم نیز اضافه کرد وقتی برگشتم، دوستانم گفتند: چه دیدی؟

گفتم: چهارتا «آمن» دیدیم:

آمن بهدغه: به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی‌تواند او را از هدفش منصرف کند.

آمنِ سَبِيلِهِ: به راهی که انتخاب کرده، ایمان دارد امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و راهش داشت.

آمنِ بِقَوْلِهِ: در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم، احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران، ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که: آقا یواشتر. مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پای درمی‌آیند. می‌گوید:

نه مردم این جور نیستند که شما می‌گویید من مردم را بهتر می‌شناسم.

و ما می‌بینیم که روز بروز صحت سخن ایشان بهتر آشکار می‌شود.

و بالاخره بالا تراز همه آمنِ بَرْتَه: در یک جلسه خصوصی ایشان به من می‌گفت:

فلانی این ما نیستیم که چنین می‌کنیم من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم.

آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد خدا

هم به مصداق «ان تنصروا الله ينصركم» بر نصرت او اضافه می‌کند.<sup>۱</sup>

بی‌شک از جان گذشتگی و مبارزه خستگی ناپذیر با ظلم و ظالم و دفاع سرسختانه از مظلوم و صداقت و صراحت و شجاعت و سازش ناپذیری این رهبر، در انتخاب او به مقام رهبری نقش داشته است. اما مطلب اساسی چیز دیگری است و آن اینکه ندای امام خمینی از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی‌خاست. مردمی که در طول چهارده قرن، حماسه محمد، علی، زهرا، حسین، سلمان، ابوذر... و صدها هزار زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند. علی را و حسن را در چهره او دیدند او را آئینه تمام‌نمای فرهنگ

.....

۱- پیرامون انقلاب اسلامی ص ۲۲-۲۱.

یک کیسه بادام داشت با لهجه ترکی گفت آقا اگر خدمت امام شرفیاب می شوید خدمتشان عرض کنید، پیرمردی از اربابان مدت طولانی در راه است و می خواهد این کیسه بادام را تقدیمتان کند من به پیرمرد قول دادم که پیغامش را به امام برسانم وقتی نوبت ملاقات من شد آقایان شهید محلاتی، انواری و موحدی کرمانی نمایندگان امام در سپاه، ژاندارمری و شهربانی کشور هم بودند که امام به آقای صانعی گفتند فعلاً خسته هستم و نمی توانم آقایان را ملاقات کنم من پیش خود گفتم وقتی حضرت امام نمایندگان خود را نپذیرد چگونه با این خستگی می تواند آن پیرمرد را بپذیرد به هرحال به حضرت امام ماجرا را عرض کردم و گفتم پیرمردی سخت مشتاق است تا شما را زیارت کند ایشان بلافاصله فرمودند که بگوئید بیاید و پیرمرد وارد شد امام تا کمر خم شدند و احوالپرسی گرمی با او کردند.<sup>۱</sup>

### دقت در تأیید افراد و صدور اجازات

استاد معظم حضرت آقای مسمودی نقل کردند که مرحوم آقای بهبهانی نامه ای توسط یک نفر فرستاده و از امام خواسته بود به فردی اجازه اجتهاد بدهند تا او بتواند مجوز دفتر ثبت اسناد بگیرد، امام نامه را خواند و فرمودند اگر من بخواهم به کسی اجازه اجتهاد بدهم باید ده سال با او رفت و آمد علمی داشته باشم تا اجتهاد او را یافته باشم، و نامه را به من داد تا به فرستاده آقای بهبهانی برسانم، من کمی ایندست و آن دست کردم، ایشان نامه را از من گرفت و خودش جواب را به واسطه گفتند.

### راز موفقیت امام در انقلاب

امور زیر از جمله عواملی هستند که راز موفقیت رهبر انقلاب را باید در میان آنها جستجو کرد:

۱- ایمان راسخ و خلل ناپذیر به مبدأ و معاد و ایمان به هدف که آثار فراوانی دارد و برترین اثرش، جانبازی و فداکاری و ایثار در راه هدف است و لذا می بینیم که در جنگ بدر مسلمانان با توجه به اینکه عده و عُدّه کمی داشتند بخاطر ایمان به هدف بر ارتش مجهز و نیرومند قریش پیروز شدند. و نیز ملت ویتنام در پرتو ایمان و اعتقاد به هدف، اقتصاد و سازمان گسترده آمریکا را به زانو درآوردند.

.....

۱- رسالت ش ۹۹۶، ۴ شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۶۸ ص ۳.

### ۳۴ - تواضع امام

امام خمینی با آن شخصیت والای جهانی خود دارای تواضع و فروتنی در حد بالائی بودند و این تواضع از سخنان و رفتار ایشان به خوبی هویدا است.

در سخنان خود گاهی خود را یک طلبه و گاهی یک خدمتگزار قلمداد می‌کردند و می‌فرمودند به من رهبر نگوئید، رهبر ما آن طفل دوازده ساله فداکار است و گاهی خطاب به رزمندگان آرزو می‌کردند که بردست آنان بوسه زند و گاهی خطاب به نمایندگان مجلس، آوارگان جنگی را از خود افضل بیان می‌کردند و گاهی در مقام رهبری به تامه فرزند شهیدی پاسخ می‌دهد.

از آیت‌الله پسندیده نقل شد که حضرت امام در طول مدت عمر خود فقط دو بار از من جلوتر راه رفت آن هم علت داشت و تا این مقدار رعایت برادر بزرگتر خود را می‌کرد.

حجة الاسلام محمد فاضل اشتهاوردی می‌گوید: حضرت امام تواضع عجیبی نسبت به طلبه‌هایی که درس خوان بودند داشتند. طلبه، روضه خوان و مداح اهل بیت (ع) را که می‌دیدند تمام قد بلند می‌شدند، و موقعی که می‌خواستند از پیش استاد بروند، از او بدرقه می‌کردند و بالاخره با اصرار میهمان باز می‌گشتند.

حجة الاسلام شیخ صادق تهرانی (کرباسی) درباره تواضع و خضوع ایشان گفت: فردی بنام آقارضا شیخ بود که داماد و خواهرزاده مرحوم آقا میرزا محمد تقی اشراقی و شوهر خواهر آقا شهاب اشراقی (داماد ایشان) بود و می‌خواست درس منظومه بخواند در سهای عمومی استفاده کمتر داشت و در سهای خصوصی بیشتر، لذا رفته بود خدمت امام که ایشان درس منظومه‌ای بدهند امام فرمودند: وقت ندارم آقا رضای شیخ می‌گوید به دانی ام گفتم: به آقا روح الله گفته ام یک درس منظومه خصوصی برایت بگو گفته اند وقت ندارم آقا محمد تقی اشراقی دانی ام گفت: آقا روح الله وقت دارد از عهده اش ساخته نیست بعداً در جلسه‌ای خدمت امام بودیم به امام گفتم: آقا به دانی ام گفته ام که شما برای درس منظومه وقت ندارید ایشان گفته اند آقا روح الله وقت دارد از عهده اش ساخته نیست آقا روح الله جواب داد: دانی ات راست می‌گوید.

آقای محسن رفیق دوست نقل کردند:

در سال ۶۱ ملاقاتی با حضرت امام داشتم وقتی به در منزل امام رسیدم پیرمردی که

بارز و مشخص ایشان بود.

### ۳۱ - اخلاص برای خدا

حجة الاسلام والمسلمین شیخ صادق تهرانی (کرباسی) می فرمود: از ویژگیهای امام اخلاص و انجام کار برای خدا بود. من وقتی می خواستم پیش ایشان برای خدمت بروم با آقا شیخ عباس تهرانی صحبت کردم گفت به آقا روح الله هر چه خدمت کنی کم است چون او همه کارهایش برای خداست و اگر اشتباهی هم بکند چون کارش برای خداست خدا اصلاح می کند.

### ۳۲ - مواظبت در حفظ صحت

آیت الله غلامرضا رضوانی امام جماعت مسجد سید عزیزالله تهران می گوید:  
«خصوصیات دیگری که در زندگی ایشان وجود دارد اینکه هم مواظب جنبه جسمی و هم جنبه روحی بود در جنبه جسمی خیلی مواظب حفظ الصحه خود بودند در حفظ صحت خود کاملاً کوشا بودند انسان لازم است مقداری از وقتش را فعالیت ورزشی داشته باشد. آن فعالیتی که مناسب وضع مزاج و سن ایشان بود مراعات می کردند مقید بودند روزی یک ساعت دور حیاط پیاده روی کنند قدم بزنند. البته این مطلب را من از مرحوم حاج آقا مصطفی نقل می کنم ایشان می گفتند که آقا در این ۲۴ ساعتی که اکثر روز را در تک سلولی زندانی بودند آن یک ساعت را در همانجا قدم زدند و ترک نکردند.<sup>۱</sup>

### ۳۳ - روش معظم له در ملاقاتها

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد صادق خلخالی - نماینده مردم قم - نقل کردند یکی از خصوصیات ایشان این بود که با هیچکس خصوصی ملاقات نمی کردند چرا که می فرمودند بعضی از اینها حرفهای مرا کم و زیاد می کنند لذا همیشه ۲، ۳ نفر از آقایان و شاگردان خودشان را حاضر می نمودند و بعد ملاقات می کردند.<sup>۲</sup>

.....

۱ - سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۵/ ۷۸.

۲ - رسالت ش ۹۹۸ پنجشنبه سوم تیر ۱۳۶۸ ص ۳.



کردم اجازه بدهید آن را چاپ کنم، نسخه منحصر به فرد خود را در اختیارم نهادند، عرض کردم مبلغ پنج هزار تومان برای چاپش بدهید فرمود نه: من از این پولها نداده و نمی‌دهم، بعد از مراجعه به آیت الله پسندیده مبلغ د هزار تومان از ایشان قرض کردم و کتاب را به چاپ رساندم. بعد ساواک از چاپ کتاب مطلع شده و اکثر کتابها را ضبط کرد و من ناچار شدم با فروش وسائل زندگی مبلغ مذکور را بپردازم، بعد از آزادی امام کتابها برگردانده شد و بین طلاب توزیع شد اما همچنان امام از دادن وجه خودداری کرده و فرمود: لازم نبود چاپ کنید.

استاد محترم حضرت آقای مسعودی اضافه کردند: آقای حاج آقا مجتبی تهرانی مایل بود، مکاسب محرمة امام را چاپ کند، چون اسم امام روی کتاب نوشته نشده بود، معلوم نبود مؤلف کتاب کیست؟ من خدمت امام عرض کردم اسم خود را مرقوم فرمائید تا معلوم شود مؤلف کیست امام فرمود: لزومی ندارد، بی اسم چاپ کنید، من دیدم به این صورت که نمی‌شود، چاره‌ای اندیشیدم و گفتم شاید کسی بخواهد نظریات شما را رد کند، باید بدانند این نظریات از آن کیست، اینجا بود که امام قبول کرده و در انتهای کتاب مرقوم فرمودند: المفتاق الی ربه الغنی روح الله الموسوی الخمینی.

و همچنین جناب آقای مسعودی فرمودند: بعد از فوت آیه الله بروجردی علماء طراز اول حوزه جلسه‌ای گذاشتند و هرکس قبول کرد قسمتی از امور حوزه را عهده‌دار شود، بعد از پایان جلسه آقای اشراقی داماد حضرت امام از ایشان سؤال کرد شما چه امری را قبول کردید؟ فرمود: هیچی، آقایان هستند و امور حوزه را رسیدگی می‌کنند آقای اشراقی اوقاتش تلخ شد و رفت، ما عرض کردیم آقا شاگردان شما که بسیارند انتظاراتی دارند، فرمود: بیخود.

باز فرمودند: روزی آقای غبوری مبلغ ۲۰ هزار تومان سهم امام آورد پیش من و گفت می‌خواهم به امام بدهم آیا ایشان قبول می‌کنند؟ به نزد امام رفتم ایشان فرمود اگر بخاطر خصوصی من داده‌اند قبول می‌کنم والا نه، سپس پول را گرفته و آن را به بنده و آقای صانعی دادند و فرمودند: فردا آن را بین طلاب تقسیم کنید ما هم روز بعد آن را بین طلبه‌های فیضیه تقسیم کردیم.

## ۲۸ - رفتار امام با همسر فداکار و فاضله خود

همسر امام در پاسخ به این سؤال که امام چگونه همسری هستند و در طول سالهای

زندگی با شما چگونه رفتار کرده اند؟ می‌گویید: بسیار خوب، من از ایشان خیلی راضی هستم، همیشه احترام مرا داشته اند، هیچوقت با تندى صحبت نمی‌کنند. اگر لباس و حتی چای بخواهند، می‌گویند ممکن است بگوئی به من فلان لباس را بدهند؟ حتی گاهی خودشان چایشان رامی ریزند، حضرت امام نظم و دقت بی نظیری درکارها دارند. در خانواده، ما مثالی داریم که می‌گوئیم بایدساعت‌های خود را با توجه به حرکات و عبادات امام کوک کنیم، چون تمام امور ایشان با برنامه ریزی و با توجه به دقیقه و ساعت اجراء می‌شود وقتی که با هم ازدواج کردیم من ۱۶ سال داشتم، حدود ۵۵ سال پیش ازدواج کردیم، در آن زمان امام حدود ۲۷، ۲۸ سال سن داشتند، در هنگام ازدواج، امام به من گفتند: «بین من خرافاتی نیستم ولی می‌خواهم که شما واجبات را رعایت کنید» بحمدالله صاحب ۶ فرزند شدیم که در تربیت آنها امام به من اختیارات لازم را داده بودند من هنگام ازدواج تا کلاس هشتم درس خوانده بودم و بعداً هم درمحضرم امام ۸ سال درس عربی و فقه خواندم، وقتی که به عراق رفتیم، در آنجا به مطالعه فراوان پرداختم و کتابها و متون سخت عربی را مطالعه می‌کردم. حجة الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا خمینی نقل کردند که امام نسبت به والده ما خیلی احترام می‌گذارد چرا که والده ما، در طول این پانزده سال نقش عمده ای داشته اند مثلاً در هیچ برهه ای نبوده که از امام گله کنند که ای بابا زندگیمان چه و چه شد، خب او هم بالاخره یک زن بوده، بچه هایش اینجا بوده اند. از بچه هایش بریده بود و این بریدن را امام موجب شده بودند. نگارنده از دوستان مطلع شنیده است که امام قبل از اینکه همسرش شروع به خوردن غذا بکند غذا تناول نمی‌کرد.

یکی از نوادگان امام از امام می‌پرسد ما چه کنیم تا شوهرانمان مانند شما نسبت به خانم با ما رفتار کنند؟ امام فرموده بود: شما هم مانند خانم فداکاری کنید.

## ۲۹ - المنية والادنية

استاد جمعفر سبحانی می‌فرمود: از صفات بارز امام این بود که در طول زندگی کاری که کوچکترین بوی ذلت بدهد محال بود انجام دهد.

## ۳۰ - کم حرفی

باز استاد سبحانی و حجة الاسلام سید مهدی غیوری می‌فرمودند: امام کم حرف بود ولی وقتی سخن می‌گفت سخن جامع می‌گفت، و اصلاً سکوت مگر در موارد لازم، از صفات

مردم را در سطح بالای آن دارا بود و با صبر و حوصله و با تأنی با مشکلات مواجه می شد و گروههای مختلف اسلامی که انحرافی نداشتند را بنحوی تأیید می کرد.

## ۲۴ - احسان به دوستان

در این : ره نیز نگارنده داستانهای زیر را شنیده است:

۱ - حجة الاسلام فحام از مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی حائری نقل کرد که: وقتی والد فوتم کرد آقای خمینی من و برادرم را به خمین برای گردش برد تا خاطره فوت پدر را فراموش کنیم و در پایان به هریک از ما پنجاه تومان پول داد.

۲ - یکی از علماء بزرگ بعد از ارتحال پدر، زندگی سختی را می گذراند حضرت امام بواسطه شخص ثالثی مبلغ هزار تومان برای ایشان می فرستد تا او بفهمد که امام ابن پول را برایش فرستاده است.

۳ - حضرت آیت الله العظمی اراکی نقل کردند: وقتی احتیاج به ده تومان پول پیدا کردم در حرم حضرت معصومه (س) امام خمینی از این امر باخبر شده و سریعاً برای اینجانب مبلغی را قرض کرده و به من داد.

این داستانها مربوط به زمان مدرسی و قبل از مرجعیت ایشان بود، داستانهای هم مربوط به زمان مرجعیت ایشان هست که ذکرش در نوشتجات مفصل خواهد آمد.

## ۲۵ - تقید به نماز جماعت و نماز شب

معظم له تا سال ۱۳۴۶ هـ. ق خود را مقید به شرکت در نماز جماعت مرحوم آیت الله حاج سید احمد زنجانی - دوست هم بحث - خود می دانست و در طول زندگی، تهجد و نماز شب او ترک نمی شد. آقای رسولی محلاتی از اعضای دفتر امام - می فرمود: در مدت آشنائی با این شخصیت عالی مقام جهان اسلام ندیدم که ایشان یک شب نماز شب را ترک کند، و حتی در نجف اشرف هنگام سحر ایشان طوری از خواب بلند می شدند و خود را برای نماز شب آماده می کردند که برای اعضاء خانه و من که میهمان بودم مزاحمتی ایجاد نشود.<sup>۱</sup>

مرحوم حاج شیخ نصرالله خلیلی گفته بود من چهل سال با امام دوست بودم ولی هیچگاه ندیدم نماز شب او ترک شود همیشه قبل از اذان صبح بیدار بود و در حال عبادت و مناجات بسر می برد، همواره در نمازهای جماعت شرکت می کرد و به دیگران اقتداء

۱ - ببینید: جمهوری اسلامی، سال یازدهم، ۲۹۱۱، ۱۵ دیقعد ۱۴۰۹ ص ۲.

۲ - سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱۵۰/۲ و نیز رک: سرگذشتهای ویژه از زندگی امام

خمینی ج ۹۲/۱ و ج ۵۱/۲ و ج ۲۹/۳.

می نمود.

## ۲۶ - دوری از ریاکاری و زهد فروشی

به اعتراف بسیاری از شاگردان ایشان معظم له از نفاق و ریاکاری متنفر بود و با اینکه ذاکر بود اما پیش شاگردان ذکر نمی گفت و تسبیح نمی گرداند<sup>۱</sup> و نیز از حالت فقرنمایی بدش می آمد و با اینکه مدتهای زیادی مبالغی مقروض بود ولی به وضع ظاهری خود می رسید.

## ۲۷ - دوری از مداحان و پرهیز از مطرح شدن

آیت الله فقید - که رضوان و رحمت الهی نثارش باد - از مطرح شدن، سخت دوری می جست و اجازه نمی داد یاران و شاگردانش از او ترویج کنند و یا در دید و بازدیدها به دنبال او حرکت کنند و بعد از پیروزی انقلاب هم از اینکه نام ایشان و تمثال مبارکشان بر زبان و صفحه صدا و سیما و روزنامه ها جاری و مکرر می شد اندوهگین بود و از آنان گلایه کرده و فرمودند:

«وقتی می بینم رادیو تلویزیون را هر وقت باز می کنم از من اسم می برد خوش نمی آید».<sup>۲</sup>

روزی آقای جلالی خمینی - امام جمعه خمین - را می طلبد و می گویند: فلانی نظر به اینکه شما خمینی هستید و خوب قدری رفت و آمد دارید دقت کنید که شما از من در جایی تعریفی، صحبتی نشود.<sup>۳</sup>

و نیز هنگامی که یکی از سخنوران نامی مملکت در حضور ایشان به تمجید و تعریف امام پرداخت پس از پایان سخنرانی امام به او اعتراض کرد.<sup>۴</sup> چرا که علی (ع) فرمود: *حب الاطراء والمدح من اوثق فرص الشيطان*<sup>۵</sup>

حضرت آية الله آقای مسعودی نقل فرمود: حضرت امام اصلاً حاضر نبودند برای اشتهار خود دیناری خرج کنند، ایشان کتابی به نام «الدماء الثلاثة» داشتند به ایشان عرض

.....

۱ - نیز رک: سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱/ ۹۶.

۲ - جمهوری اسلامی ش ۱۸۱۷، ۱۶/۶/۶۴ ص ۱.

۳ - سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ج ۱/ ۳۹.

۴ - نیز ببینید: سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱/ ۵۴.

۵ - میزان الحکمه ج ۷/ ۸۴.

آن زمان که در ایران بودند و چه آن زمان که در عراق تبعید بودند و براستی کوناللطالم خصماً و للمظلوم عوناً را عمل می‌کردند. از باب نمونه به چند مورد زیر اشاره می‌کنیم:

الف — هنگامی که رژیم بعث عراق شروع به اخراج ایرانیان کرد و ۶ روز مهلت داد که تمام ایرانیان از عراق خارج شوند، امام که دیدند ایرانیان را با آزار و اذیت از خانه و کاشانه خود بیرون می‌کنند تصمیم گرفت از عراق خارج شود و دولت بعثی که نمی‌خواست چنین اتفاقی بیفتد جمعی را برای ملاقات با امام و منصرف کردن ایشان از بغداد به نجف فرستاد که در میان آنها علیرضا معاون صدام که به قساوت و هتاک و خونریزی معروف بود دیده می‌شد. امام اعلام کرد که به آنان اجازه ملاقات نمی‌دهد، مردم که سفاکی علیرضا را می‌دانستند وحشتزده شدند و لذا علماء و مردم از مرحوم آقا شیخ نصرالله خلخالی — از یاران امام — خواستند که نزد امام بروند و ایشان را متقاعد کند تا ملاقات صورت بگیرد، امام به مرحوم حاج شیخ نصرالله فرموده بود من با او ملاقات می‌کنم ولی تصمیم دارم قدرت و صولت او را بشکستم تا خیال نکند حال که از بغداد به اینجا آمده است به آسانی می‌تواند با ما ملاقات کند در هر صورت هنگامی که علیرضا و همراهان او به خدمت امام رسیدند معظم له با کمال صراحت فرمود: شما با مسلمانان رفتاری بدتر از یهودیان دارید زیرا هنگامی که یهودیان را از عراق بیرون می‌کردند به آنها ۶ ماه مهلت دادند و پس از انقضاء مهلت باز هم به آنها مهلت دادند که تمام کارها و حسابهایشان را تمام کنند، ولی شما به ایرانیان بیش از ۶ روز مهلت ندادید وانگهی شما را با طلبه‌ها چکار؟<sup>۲</sup>

ب — هنگامی که ساواکیها به منزل معظم له ریختند تا ایشان را دستگیر کنند و به تهران ببرند با لگد درب را شکسته و وارد می‌شوند، امام به ایشان نهیب می‌زنند که شما بروید من خودم می‌آیم و...<sup>۳</sup>

ج — بعد از رحلت آیت الله حکیم معظم له مجلس فاتحه‌ای در نجف در مسجد هندی گرفتند، علاوه بر علماء و مردم عده‌ای از مقامات برجسته سیاسی بغداد به نمایندگی از طرف دولت در مجلس شرکت کردند، عده‌ای از حضار به مجرد ورود این عده از جا برخاسته و ادای احترام کردند ولی امام کوچکترین اعتنائی به آنها نکرد.

.....

۱ — خطبه ۴۷ نهج البلاغه صبحی صالح/۴۲۱.

۲ — نقل با تلخیص و تصرف در الفاظ از اظهارات آیت الله سید عباس خاتم یزدی (عضو دفتر استفتاء

امام).

د - حجة الاسلام آقای حاج شیخ صادق خلخالی - نماینده مجلس - نقل کرد که شاه به مناسبتی سید جلال تهرانی - که بعدها عضو شورای سلطنت شد و در پاریس خدمت امام رسیده و استعفای خود را تقدیم کرد - و یک نفر دیگر را جهت ابلاغ سلام خدمت امام فرستاد، سید جلال تقاضای ملاقات خصوصی کرد امام فرمود در مجلس ما بیگانه ای وجود ندارد حرفتان را بزنید و او پس از ابلاغ سلام شاه گفت: شاه می گوید ما شاه شیعه هستیم، مملکت هم قانون می خواهد و کشور نیاز به نظم دارد و شما هم قبول دارید که قانون اساسی محترم است و...

امام پس از استماع سخنان او فرمود: به شاه بگوئید این جریان فیضیه چه بود؟ چرا بعنوان دهقانهای ساوه ساواکیها به فیضیه حمله کردند اینها را شاه دستور داده بود آیا این است احترام به علماء و...؟

فرد همراه تهرانی گفت: آقا قانون و شاه را قبول دارند و لیکن اعتراضاتی هم دارند. امام فرمود: نه، چنین نیست من از این شاه گله دارم. و چون این جمله برایشان جا نیفتاد امام فرمود: من از این شاه بدم می آید.!

## ۲۱ - عدم اتکا به غیر خدا

یکی دیگر از خصوصیات امام این بود که به هیچ قدرت مادی ظاهری اتکاء نکرد و همانطور که غرب جنایتکار را می گوید به شرق ملحد و متجاوز نیز اعتراض می کرد و از هر دو ابر قدرت اظهار تبری می نمود.

## ۲۲ - درب منزلش به روی همگان باز بود

آیه الله آقای شیخ علی اکبر مسعودی خمینی نقل کردند: روزی خدمت امام نشسته بودیم جمعیت فراوانی از تهران آمده بودند یکی از درهای منزل بسته شد حضرت امام متوجه شدند که این در بسته شد فرمودند این در را کی بست، بنده بدم یا یکی از آقایان یا دو نفری گفتیم که این در بخاطر اینکه زحمت مردم نباشد بدستور حاج آقا مصطفی بسته شد، امام که برافروخته شده بود فرمودند نه باز کنید در را، مردم را آزاد بگذارید کسی در خانه من دخالت نکند همه درهای خانه من به روی مردم باید باز باشد.

## ۲۳ - سعه صدر

علی (ع) می فرماید: آله الریاسة سعة الصدر و حضرت امام این ابزار لازم رهبری

که برایشان شده بود اداره می شد.

خبرنگاری از کبری خانم (آشپز منزل امام) می پرسد امام غذایشان چیست (معمولاً چه غذائی برای ایشان تدارک می بینید؟) می گوید: امام هرروز ناهار آبگوشت می خوردند و شبها نان و پنیر و انگور یا نان و پنیر و خربزه و یک لیوان دوغ. راستی این وضع زندگی انسان را به یاد این فرمایش علی (علیه السلام) می اندازد که فرمود:

فَرَضَ عَلَيَّ أَيْمَةَ الْعَدْلِ أَنْ يَقْتَدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ قَفْرُهُ<sup>۱</sup>.

خداوند بر رهبران عادل واجب کرده تا زندگی خود را با ضعیفان بسنجند تا تحمل فقر بر فقیر آسان گردد.

در تاریخ زندگی پیامبر (ص) می خوانیم که ایشان بر روی زمین غذا میل می کرد، و چون بندگان می نشست، و کفش خود را به دست مبارک خود پینه می زد و بر مرکب لخت سوار می شد و دیگری را هم در ردیف خود سوار می نمود.

و چون ساده زیستی شیوه انبیاء و عامل هماهنگی با محرومین جامعه است و ریشه های حرص و طمع و تجاوز به حقوق دیگران را می خشکاند لذا می بینیم امام امت از آغاز فروردین ۱۳۶۲ تا ۲۵ تیرماه ۶۴ (یعنی در طول کمتر از ۲۸ ماه) حداقل ۷ بار در دیدارهای غیرخصوصی و در پیام به جلسه افتتاحیه دومین دوره مجلس شورای اسلامی از علماء و مسئولان کشوری می خواهد که ساده زیستی را مشی خود قرار دهند و از تشریفات و تجملات بکاهند و با کاخ نشینی مبارزه کنند تا بتوانند از محرومین دفاع کنند و در اندیشه تأمین حقوق آنان باشند، چه آنکه اگر مسئولی در ورطه علائق دنیائی سقوط کند دیگر نمی تواند در مقابل زورگویان بایستد و با سیاستهای الحادی به مقابله برخیزد.

## ۱۹ - شجاعت و شهامت امام

انسان عارف و خداشناس، شجاع است و از هیچ چیزی نمی هراسد و با در نظر گرفتن اهداف و سود و زیان و بررسی راههای وصول به آن بدون پروا دست به اقدام می زند و رهبر انقلاب چون عارفی واصل بود لذا شجاعت از ویژگیهای معظم له به حساب می آمد.

۱ - نهج البلاغه صبحی صالح خطبة ۲۰۹ ص ۳۲۵.

امام مجاهد دریادلی بود که در خطر خیزترین توطئه‌ها و صحنه‌ها، شجاعانه‌ترین حضورها را داشت.

درباره شجاعت و شهامت امام نمونه‌های فراوانی می‌توان ارائه کرد:<sup>۱</sup>  
۱ - هنگامی که فرماندار نظامی اعلام نمود از ساعت ۴ بعد از ظهر هرکس از منزل بیرون بیاید کشته خواهد شد، امام جمعی از یاران خود را می‌خواهند، می‌فرمایند بر همه لازم است که در ساعت تعیین شده در خیابانها باشند و استقامت نمایند. یاران امام احتمال حمله به جایگاه ایشان را می‌دهند لذا خانه‌ای در پشت مدرسه علوی برایشان در نظر می‌گیرند و از ایشان می‌خواهند به آنجا بروند ولی امام می‌فرماید: من از این اطاق خود بیرون نمی‌روم شماها اگر می‌ترسید بروید.

۲ - آیت الله شهید سید محمد رضا سعیدی (علیه الرحمه) نقل کرده‌اند خدمت امام عرض کردم: شما را تنها می‌گذارند! امام فرمودند: اگر جن و انس یک طرف باشند و من یک طرف حرف همین است که می‌گویم.<sup>۲</sup>

۳ - در سال ۴۳ امام بعد از آزادیشان که در مسجد اعظم سخنرانی کردند فرمودند: والله من به عمرم نترسیدم آن شبی هم که آنها مرا می‌بردند آنها می‌ترسیدند من آنها را دلداری می‌دادم.

۴ - حضور ایشان در نجف بدون محافظ در نماز جماعت و اجتماعات دیگر با اینکه شخصیتی جهانی داشتند و طبعاً دارای دشمنان زیادی هم بودند حاکی از شجاعت ایشان است و هنگامی که در فرانسه بودند یک روز صبح یکی از پلیس‌های فرانسه می‌بیند که امام به تنهایی در خیابانهای نوفل لوشاتو قدم می‌زند، این مسأله موجب تعجب او می‌گردد.

۵ - روز ورودشان به ایران در سخنرانی خود در بهشت زهرا با فریاد رسا فرمود: من دولت تعیین می‌کنم، من تودهن این دولت می‌زنم و...

«گفتنی است که شجاعت امام در گشودن دریچه‌های تازه به روی افکار دانشمندان اسلامی به هیچوجه کمتر از شجاعت امام در مبارزه با شاه و آمریکا نیست.»

## ۲۰ - خشونت با ستمگران

هرگز کوچکترین سازش و تواضعی از امام در برابر ستم‌پیشگان حاکم دیده نشده چه

۱ - سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۲۴/۶ ۲ - زی طلبگی ۳/ ۲



امام خود می فرمودند اگر به زندگیمان و رفتارمان و حرکاتمان نظم بدهیم فکرمات هم بالتبع نظم می گیرد<sup>۱</sup>

امام این نظم را از جد بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع) که در وصایای خود به فرزندانش فرمود: «اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم»<sup>۲</sup> فرا گرفته بود.

## ۱۶ - کارهای شخصی خود را به دیگران تحمیل نمی کردند

امام مقید بودند که کارهای شخصی خود را شخصاً انجام دهند و در این رابطه حتی به نزدیکترین افراد منزل خود نیز دستور نمی داد. جای صبحانه و بعد از ظهر خود را، شخصاً از آشپزخانه می آوردند و سر سفره، غذا و وسائل مورد احتیاج خود را از دیگران نمی خواستند.

فرزند بزرگ امام می گوید: من اولین اولاد بودم و (امام) خیلی به من علاقه داشتند و فوق العاده احترام به من می گذاشتند توی اتاق ایشان که می رفتم می نشستم اگر مثلاً آب می خواستند یک داروئی می خواستند به من نمی گفتند یک وقت می دیدم آقا بلند شدند و می رفتند لیوان آب یا ذارویشان را می آوردند من ناراحت می شدم می گفتم آقا به من کار بگوئید و...

## ۱۷ - نمونه اعلای صبر

در مقابل سختیهای ناشی از جهاد و مبارزه پی گیر و طولانی خود، در فراق دوستان فداکار و حتی در مصیبت از دست دادن فرزند مجتهد و مبارزش، شکیبائی حیرت انگیزی از خود نشان دادند.

## ۱۸ - زندگی ساده

ساده زیستن یکی دیگر از خصائص بارز امام بود زندگی ایشان پیش از مرجعیت و بعد از مرجعیت، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب که طبعاً کلیه امکانات کشور اسلامی در

.....

۱ - و نیز ببینید: سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام ج ۴/۴۹ و ج ۲/۲۶ و دیدگاهها و انقلاب اسلامی ایران / ۱۹۳ (اظهارات حضرت آقای محمد حسن قدیری). جمهوری اسلامی سال یازدهم ش ۲۹۰۹، شنبه ۲۷ خرداد ۶۸ ص ۸ مقاله سید حسن میردامادی. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۱/۲۹ رسالت ش ۹۹۰، سه شنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ ص ۳.

۲ - نهج البلاغه نامه ۴۷.

اختیارشان بود یکسان و ساده بود در این رابطه در کتابهای فراوانی مطالب زیادی ذکر شده<sup>۱</sup> که در اینجا بذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم: یکی از بیگانگان گوید:

«... اکنون ما در حضور آیت الله در اتاقی به مساحت ۲×۲ متر، و در خانه‌ای هستیم که در دورترین قسمت نجف واقع است شهری که از لحاظ وضع جغرافیائی یکی از بدترین مناطق کویری عراق است...»

در پیچ یکی از کوچه‌های تنگ نجف که خانه‌ها برای آنکه سپری در مقابل تابش سوزان آفتاب باشد سخت به هم فرورفته است، مسکن محقر آیه الله خمینی قرار دارد؛ این خانه نظیر مسکن فقیرترین افراد نجف است در سه اطاق این خانه حداکثر دوازده تن از نزدیکان وی حضور داشتند<sup>۲</sup> این منزل نجف ایشان بود، در پاریس هم در خانه‌ای به مساحت ۶۰ متر مربع زندگی می‌کردند و در تهران هم در مدرسه علوی و در قم در یک منزل یک طبقه با چند اتاق ساده و در جماران هم در خانه‌ای محقر و استیجاری.

خبرنگار رویتزر در گزارش خود که از محل اقامت امام دیدن کرده می‌نویسد: منزل مورد بازدید برای رهبر یک کشور ۵۰ میلیونی بسیار بی‌آلایش بود یک قسمت از اتاق اصلی منزل که توسط یک پرده از دیگر قسمت‌های اتاق جدا می‌شد محل خواب (امام) خمینی بوده است در دیگر قسمت اتاق یک صندلی که پارچه سفیدی بر روی آن کشیده شده بود مهمترین اسباب منزل به نظر می‌رسید، در قفسه‌های منزل یک نسخه قرآن، تعدادی کتاب، یک آئینه، یک دستگاه رادیو و یک دستگاه تلویزیون به چشم می‌خورد. ۳

حضرت آقای حاج شیخ علی اکبر مسعودی خمینی نقل می‌کردند امام مایحتاج خود را روزانه تهیه می‌کردند و هرگز حاضر نمی‌شدند چیزی را که همان‌روز احتیاج ندارند تهیه فرمایند.

حضرت آقای فاضل نقل می‌کردند با وجودی که امام هر ماه مبلغ صد میلیون تومان شهریه می‌دادند خود از وجوهات استفاده نمی‌کردند و زندگی شخصی ایشان از راه نذوراتی

.....

۱ - نگاه کنید فراهانی از ابعاد روحی امام صفحات ۴۷ - ۴۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۳ - ۷۴. سیمای فرزنانگان ج ۳، ۴۴۹ - ۴۵۳. تفسیر آفتاب/ ۴۰۶، سرگذشت‌های ویژه از زندگی حضرت امام خمینی ج ۱/ ۱۰۵، ج ۶/ ۱۴۴ و ۸۸، ج ۵/ ۱۶۰ ج ۶/ ۱۵۸.

۲ - تفسیر آفتاب ۴۰۹ - ۴۱۰ با تلخیص به نقل از روزنامه لوموند.

۳ - کیهان ش ۱۳۶۴۸ پنجشنبه ۸ تیر ۱۳۶۸ ص ۱۲.

## ۱۴ - اطمینان به نفس و توکل به خدا

بنا به اعتراف کسانی که با ایشان برخورد مستقیمی داشتند، سکینه و آرامش روحی و قدرت تصمیم‌گیری و توکل به ذات اقدس الهی از جمله صفات شاخص و انکارناپذیر ایشان بود این روحیه قوی سبب شده بود که ایشان در سخت‌ترین شرایط و حساس‌ترین لحظه‌ها خود را نبازد و در مقابل شدائد و ناگواریها همچون کوهی استوار یا برجا بماند و هیچگونه ترس و دلهره‌ای به خود راه ندهد گواه این مسأله آن است که هنگامیکه پلیس ایشان را دستگیر و به طرف تهران حرکت می‌داد علاقمندان امام در اطراف اتومبیل گریه و بیتابی می‌کردند در حالی که امام آنان را به صبر و شکیبائی دعوت می‌فرمود. و در اثناء راه مأموران اتومبیل را به یک راه فرعی و متروک هدایت می‌کنند و امام اطمینان پیدا می‌کند که میخواهند او را بکشند ولی پس از چندی اتومبیل دوباره به جاده اصلی برمی‌گردد این مانورها هیچگونه تغییری در روحیه امام بوجود نمی‌آورد.

در جریان حمله ناگهانی عراق به فرودگاههای ایران که مردم مضطرب و نگران بودند ایشان با اطمینان کامل به امدادهای الهی فرمودند: دزدی آمد و سنگی انداخت و رفت و هنگامیکه صدام تکریتی دامنه حملات خود را گسترش داد و جمعی را نسبت به سرنوشت جنگ دچار نگرانی شدیدی کرد امام آن را یک نعمت الهی خواند.

و در جریان فوت مشکوک فرزند فرزانه و مبارز خود بدون اینکه خود را بیازد آن را از الطاف خفیه الهی توصیف کرد و هنگامیکه گروهکهای منحرف و مزدور از قبیل فرقان و منافقین، ناجوانمردانه مسئولان نظام را ترور می‌کردند فرمودند: اینها در مقابل حفظ اسلام چیزی نیست.

مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی می‌گفت:

بعضی فکر می‌کنند گاهی اوقات که من به قم مسافرت می‌کنم فقط به خاطر مذاکرات سیاسی است، روزنامه‌ها جنجال می‌کنند و سرو صدا و حرفهائی درشت می‌نویسند ولی من هروقت احساس ضعف می‌کنم، گاهی یأس برایم پیش می‌آید، می‌روم پیش چنین رهبری قاطع و از توکل و ایمان و خلوص او الهام می‌گیرم.

و امام در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود می‌نویسد: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم.

آیت الله حاج میرزا علی احمدی میانجی نقل می‌کرد که شادروان آیت الله آقا شهاب الدین اشراقی — داماد امام — می‌گفتند: شب ۲۲ بهمن در خدمت امام در مدرسه رفاه بودیم پیشنهاد کردند به علت عدم امنیت، محل استراحت امام را عوض کنند من گفتم بیخود مطرح نکنید که امام قبول نخواهد کرد. گفتند پس خانواده امام را به جای دیگر منتقل کنیم این پیشنهاد را در خدمت امام مطرح کردند فرمودند نه همینجا جای امنی است. آقای اشراقی اضافه کردند، همه استراحت کردند من در اتاق مجاور اتاق امام خوابیده بودم اما خوابم نمی‌برد و قرار نداشتم درب اتاق امام را باز کردم امام بیدار شد به امام عرض کردم شاید جنگ نزدیک شده باشد و من آرامش ندارم! امام نگاهی به بیرون انداخت فرمود: برو بخواب. این جمله آنقدر در من تأثیر کرد که گویا من قرص خوابی خوردم و خوابم برد.

## ۱۵ — نظم در زندگی

یکی از نشانه‌های نظم را تقسیم اوقات شبانه روزی براساس نیازمندیها ذکر کرده‌اند و ایشان چه زمانی که در قم بودند و چه زمانی که در نجف و یا در ترکیه بسر می‌بردند، با برنامه ریزی دقیق کارهای خود را انجام می‌دادند و در تمام امور و برنامه‌های خود نظم خاصی داشتند به طوری که اهل منزل از حرکات ایشان حدود اوقات روز را می‌دانستند. از خانمی که همسر ایشان را در کارهای منزل کمک می‌کرد نقل شده که گفته بود: پیش از ظهرها وقتی که حاج آقا (امام) برای وضو از اطاق مطالعه بیرون می‌آمدند من می‌فهمیدم که وقت آماده کردن غذا نزدیک شده است لذا فوراً به آشپزخانه رفته و اجاق را روشن می‌کردم<sup>۱</sup> از خواهر دباغ نقل کرده‌اند: دقت امام در رابطه با وقت چندان چشمگیر بود که محافظین فرانسوی، موقع تشریف فرمائی ایشان برای نماز ساعت‌های خود را میزان می‌کردند.<sup>۲</sup>

حضرت آیت الله جناب آقای خامنه‌ای (دام‌عزه) نقل می‌کردند که ما جلسه‌ای خدمت ایشان داشتیم نشسته بودیم بحث ما طول کشید زیاد صحبت کردیم وسط صحبت امام یک وقت به ساعت نگاه کردند فرمودند که ساعت قدم زدن دیر شد. رأس ساعتی که پزشکان به ایشان می‌گفتند باید قدم بزنند ایشان بلند می‌شدند و قدم می‌زدند.

.....

۱ — ببینید: معیارهای شناخت امام / ۱۷۸.

۲ — زی‌طلبگی ص ۱۲۲ به نقل از زن روزش ۹۵۴.

نیک دانستی که آن ممدوح کیست  
 آن مجاهد رادمرد روزگار  
 وصف او از کوه پرسیدم، بگفت  
 آسمان در وصف او گفت آشکار  
 چشمه جوشان بوصف او بگفت  
 موج دریا را بپرسیدم از او  
 ماء طاهر، روح پاکش را گواه  
 با همه فضل و کمالاتش بگفت  
 از نواضع قائد اعظم بگفت  
 نه همین کرد او قیام اندر حیات  
 لحظه ای در مرگ او اندیشه کن  
 گرچه او در مرقدش خوش آرמיד  
 با دلی آرام و پرامید رفت  
 هیچ می دانی چه شد کوزود رفت؟  
 داغ، یاران و عزیزانش بسوخت  
 آه مظلومان دلش را می گداخت  
 عاقبت قلبش بایستاد از طیش  
 مهر و لطفش شامل برنا و پیر  
 لحظه ای دیدار او بعد از فراق<sup>۱</sup>  
 دیده ها در روز مرگش خون گریست  
 در وصیت نیز همچون مصطفی  
 گفت از قرآن و از عترت سخن  
 از تفاهم، و ز صفا بسیار گفت  
 «عاشقا» این قصه ای بی منتهاست

او خمینی، مهرش اندر سینه هاست  
 آن که بادش، یاد آئین خداست  
 ای عجب این استقامت از کجاست  
 اوج فکرش برتر از اوج سماست  
 در فضایل او خود از سر چشمه هاست  
 گفت خشم او خروش موجهاست  
 روح او خود پرتو روح خداست  
 افتخارم بوسه رزمنده هاست  
 هان، مردم، راهبر فهمیده هاست  
 انقلابی دیگر از مرگش بیاست  
 این چنین مرگی حیاتش از قفاست  
 عاشقان را رفته خواب از دیده هاست  
 واصل اینک او به جمع اولیاست  
 در پس این حادثه صد نکته هاست  
 سینه اش آماج تیر غصه هاست  
 درد محرومان مراورا زنجهاست  
 آری این تاوان آن اندوه هاست  
 پیر و برنا مهر او بر دل سزاست  
 اشک شوق عاشقان برگونه هاست  
 جمله محرومان عالم در عزاست  
 کان وصیت جلوه از وحی خداست  
 کابین دو، راه رستگاری و هداست  
 زآنکه این دو، عامل نصر و بقاست  
 وصف پیر عشق را، کی منتهاست؟  
 قم حوزه علمیه - علی ربانی گلپایگانی

۶۸/۳/۲۶

۱ - اشاره است به روزی که حضرت امام (ره) به وطن بازگشت و عاشقان و مریدان پس از سالها فراق به وصال معشوق و مراد خود نائل شدند و از فرط شادمانی می گریستند.

## مدارک:

- در این مقاله از کتابهای زیر استفاده شده است.
- ۱ - نقباء البشر فی القرن الرابع عشر ج ۲ ص ۷۸۹ از علامه حاج آقا بزرگ طهرانی
  - ۲ - بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ج ۲ به قلم سید حمید روحانی (زیارتی)
  - ۳ - سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی به قلم جمعی از فضلاء و یاران امام ۶ جلد جمع آوری مصطفی وجدانی و رضا شریباف
  - ۴ - تاریخ سیاسی معاصر ایران ج ۲ دکتر سید جلال الدین مدنی
  - ۵ - آثار الحجة محمد رازی
  - ۶ - گنجینه دانشمندان ج ۱۲/۸ از همو
  - ۷ - یکصد سال مبارزه روحانیت مرفقی ج ۳، عقیقی بخشایشی
  - ۸ - زندگینامه امام خمینی ج اول از انتشارات پانزده خرداد
  - ۹ - تفسیر آفتاب از محمدرضا حکیمی
  - ۱۰ - تفسیر دعای سحر ترجمه سید احمد فهری (مقدمه)
  - ۱۱ - الامام الخمينی قائد الثورة الاسلامیة فی ایران، عادل العلوی
  - ۱۲ - لمعات من حياة الامام الخمينی
  - ۱۳ - اختران تابناک ج ۲ شیخ ذبیح الله محلاتی
  - ۱۴ - نقش روحانیت در اسلام و اجتماع سید علی مقدم
  - ۱۵ - امام آمد محمد بدیعی
  - ۱۶ - نهضت روحانیون ایران
  - ۱۷ - شهدای روحانیت شیعه در یک صد ساله اخیر
  - ۱۸ - زندگینامه علامه مجلسی ج ۲/۱۷-۴۲۲
  - ۱۹ - بیوگرافی و خلاصه ای از زندگانی امام خمینی نصرالله روحانی شهرزائی
  - ۲۰ - شرح رساله المشاعر ملاحظه را - مقدمه، پاورقی ص ۷۸
  - ۲۱ - مشاهیر جهان ص ۸۹۶

بقیه در صفحه ۱۶۴



عکسی از حضرت امام (قدس سره) در سن ۲۲ سالگی و حضرت آیت الله حاج  
سید محمد صادق لواسانی در سن ۱۹ سالگی

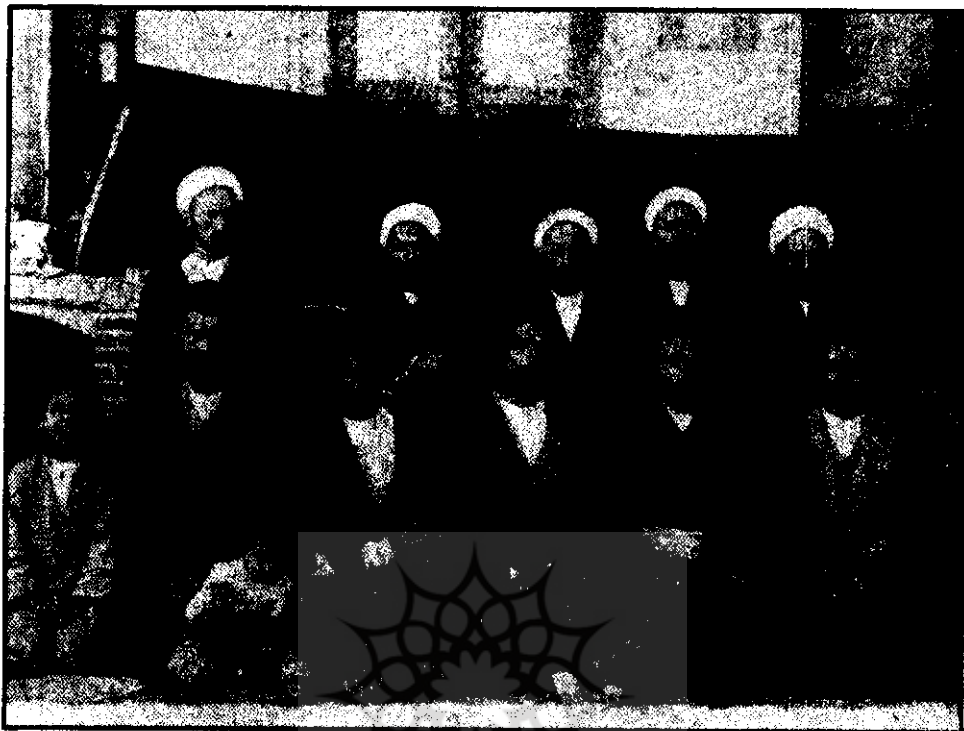


افراد حاضر در این تصویر با حذف القاب عبارتند از :

ردیف با لا از راست به چپ : ۱- آقا سید ابوالحسن طهرانی ۲- سید محمد  
ولایتی زنجانی ۳- حضرت امام ۴- آقا سیدعلینقی طهرانی ۵- آقا سیداحمد  
لواسانی ۶- آقا محمد پسر آقا سیداحمد لواسانی ۷- آقا سیدمحمد صادق  
لواسانی .

ردیف پائین از راست به چپ : ۱- آقا مهدی پسر آقا شیخ عباس طهرانی  
۲- آقا شیخ عباس طهرانی ۳- آقا میرزا محمد علی ادیب طهرانی ۴- حاج  
سید احمد زنجانی ۵- حاج آقا عبدالله آل آقا طهرانی ۶- آقا شیخ عبید  
الحسین فقیهی رشتی ۷- حاج سید موسی شبیری زنجانی





روز شنبه دوم ربیع الاول ۱۳۵۵

ردیف بالا از راست به چپ : ۱- آقا شیخ محمد علی طالقانی ۲- آقا شیخ  
عبدالحسین فقیهی ۳- آقا شیخ محمد علی ادیب ۴- آقا شیخ عباس طهرانی  
۵- آقا شیخ نمرالله خلخالی

ردیف پایین از راست به چپ : ۱- حضرت امام ۲- حاج سید احمد لواسانی  
۳- حاج سید احمد زنجانی ۴- آقا سید کاظم عراقی ۵- آقا سید محمد صادق  
لواسانی ۶- آقا سید محمد فرزند حاج سید احمد لواسانی